

# تحلیل کمی و کیفی تورم در اقتصاد ایران (دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)

معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۴۱۹۲  
اسفندماه ۱۳۹۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۵.....	۱. بررسی کمی تورم در چند سال اخیر.....
۶.....	۱-۱. وضعیت تورم ایران در جهان.....
۶.....	۱-۲. تحلیل وضعیت نرخ تورم و نرخ تورم نقطه به نقطه.....
۸.....	۱-۳. تحلیل تورم تولیدکننده.....
۱۱.....	۲. بررسی کیفی تورم سال‌های اخیر.....
۱۱.....	۲-۱. بیشتر بودن تورم خوراکی‌ها از غیرخوراکی‌ها.....
۱۳.....	۲-۲. تأثیرات متفاوت شوک‌ها بر تورم کالاها و خدمات.....
۱۴.....	۲-۳. بیشتر بودن تورم روستایی از شهری.....
۱۶.....	۲-۴. تفاوت تورم در مناطق مختلف کشور.....
۱۹.....	۳. تحلیلی از علل تورم در ایران.....
۲۱.....	۳-۱. شوک ناشی از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و اثر آن بر تورم.....
۲۳.....	۳-۲. شوک ناشی از تحریم‌ها.....
۲۶.....	۳-۳. سایر عوامل اثرگذار بر تورم در دوره مورد بررسی.....
۳۱.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۳۲.....	منابع و مأخذ.....



## تحلیل کمی و کیفی تورم در اقتصاد ایران (دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)

### چکیده

تورم یکی از معضلات مزمن اقتصاد ایران در چند دهه اخیر بوده است. با این حال، وضعیت این متغیر همواره یکسان نبوده و اقتصاد ایران از این نظر در برخی سال‌ها کاهش نسبی و در برخی سال‌ها بعضاً جهش‌های تورمی را تجربه کرده است. با وجود کاهش نسبی تورم در سال‌های منتهی به ۱۳۸۹، پس از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و نیز گسترش بی‌سابقه تحریم‌های بین‌المللی بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، نرخ تورم مجدداً افزایش یافت به طوری که در مهرماه ۱۳۹۲ به اوج خود یعنی ۴۰/۴ درصد رسید. با این حال در یک سال اخیر نرخ تورم روندی کاهشی به خود گرفته است و در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ به ۱۵/۸ درصد رسیده است. در این گزارش به بررسی ویژگی‌ها و علل تورم در این دوره پرداخته شده است.

بررسی کمی تورم در سال‌های اخیر نشان داد که کشورمان در این سال‌ها همواره جز کشورهای دارای بالاترین نرخ تورم در جهان بوده است. با وجود این بررسی کیفیت تورم در این دوره نشان داد که نرخ تورم در این دوره علیرغم نرخ بالا دارای ویژگی‌های خاصی نیز بوده است. برای مثال تأثیرپذیری نرخ تورم کالاها و خدمات از شوک‌های تورمی وارد شده به اقتصاد یکسان نبوده است و نرخ تورم کالاها به نسبت بسیار بیشتری از خدمات تحت تأثیر شوک‌های تورمی قرار گرفته است. همچنین در این دوره نرخ تورم اقلام خوراکی از اقلام غیرخوراکی بسیار بیشتر بوده است که با در نظر گرفتن این واقعیت که سهم کالاهای خوراکی در سبد مصرفی دهک‌های پایین‌تر بیشتر است می‌توان چنین تحلیل کرد که زیان رفاهی این تورم برای دهک‌های پایین‌تر درآمدی بیشتر بوده است. مقایسه نرخ تورم روستایی و شهری در این دوره نیز بیانگر بالاتر بودن نرخ تورم روستایی از شهری در اکثر این دوره است. همچنین بررسی نرخ تورم استان‌های کشور نیز در این دوره نشان می‌دهد تورم دارای توزیع یکسانی نبوده و به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی استان‌ها در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

در رابطه با علل تورم به طور کلی می‌توان بیان کرد تأثیر شوک‌های قیمتی اجرای مرحله اول هدفمندکردن یارانه‌ها و افزایش نرخ ارز ناشی از تحریم بر افزایش نرخ تورم کاملاً ملموس است. در این میان نباید تأثیرات سایر عوامل نظیر رشد شدید نقدینگی و تورم مواد خوراکی جهانی را در تشدید اثر

شوک‌ها ناپایده گرفت. با ایجاد ثبات نسبی در فضای اقتصاد کلان و تخلیه تدریجی آثار شوک‌های قبلی پس از روی کار آمدن دولت جدید، نرخ تورم با کاهش تدریجی مواجه شد. در حقیقت تورم در این سال‌ها بیشتر تحت تأثیر عوامل موقتی و زودگذر قرار گرفته و به بیان اقتصادی جزء موقتی (پوسته) تورم تحت تأثیر قرار گرفته است و در نتیجه با تخلیه شدن آثار این شوک‌ها در تورم به طور طبیعی روند تورم رو به کاهش نهاده است این در حالی است که عوامل اصلی و بنیادی ایجادکننده تورم بلندمدت در کشور مثل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران از جمله رشد شدید نقدینگی، کسری بودجه و عدم انضباط پولی دولت‌ها و ناکارآمد بودن بازارها در کشور همچنان پابرجا بوده که در بیان اقتصادی این بخش از تورم را هسته تورم می‌نامند و به نظر می‌رسد با از بین رفتن اثر شوک‌ها نرخ تورم به هسته خود نزدیک شده است. این هسته اصولاً متأثر از ساختار نهادی حاکم بر اقتصاد است و نیاز به اصلاحات بنیادی و برنامه‌ریزی دقیق دارد.

## مقدمه

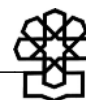
کنترل تورم به عنوان یکی از اهداف سیاست کلان اقتصادی به دلیل آثار مخرب آن همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است. طی سال‌های گذشته همواره یکی از مهمترین مشکلات اقتصاد ایران نرخ تورم بالا بوده است، از جمله آثار مخرب تورم بالا در اقتصاد می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان حقوق‌بگیران، افزایش نااطمینانی و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق زمانی تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت و عوامل متعدد دیگر اشاره کرد.

مکاتب اقتصادی در توضیح پدیده تورم دلایل متفاوتی بیان می‌کنند:

از نظر نئوکلاسیک‌ها<sup>۱</sup>، تورم مسئله بسیار ساده و کم‌اهمیتی است، زیرا براساس نظریه مقداری پول و با توجه به ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول، معتقدند که اگر مقامات پولی تنها میزان رشد عرضه پول را کنترل کنند، آن‌گاه تورم به‌عنوان یک معضل اقتصادی بروز نخواهد کرد (محنت‌فر و دهقانی، ۱۳۸۸). اقتصاددانان مکتب کینزی<sup>۲</sup> فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل را علت اساسی تورم عنوان کرده و معتقدند علت اصلی افزایش تقاضا را باید در دو بخش پول و کالا جستجو کرد.

پولیون هم تورم را یک پدیده پولی می‌دانند. این ادعا که تورم یک پدیده پولی است بدان مفهوم است که رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد، منجر به ایجاد تورم بالا می‌شود. از سویی میزان تورم بالا نمی‌تواند به مدت طولانی بدون میزان بالای رشد پول ادامه یابد. البته پولیون در تفسیر جدید خود از

1. Neoclassical  
2. Keynesian



نظریه مقداری پول، عنوان می‌کند که پول در کوتاه‌مدت خنثی نیست و بر متغیرهای حقیقی اثر دارد، ولی در بلندمدت نظریه کلاسیک‌ها را مبنی بر خنثی بودن پول می‌پذیرد.

همچنین اقتصاددانان مکتب ساختارگرا<sup>۱</sup>، ریشه‌های تورم را در ضعف بخش‌های کشاورزی و تجارت خارجی و یا کاهش درآمدی اندک سیستم مالیاتی می‌دانند. براساس دیدگاه مکتب ساختارگرایان علت اصلی تورم، سیاست‌های ارادی پولی و مالی دولت نیست، بلکه عدم تعادل‌های اساسی در نظام اقتصادی است که رشد عرضه پول را به دنبال دارد (محنت‌فر و دهقانی، ۱۳۸۸).

به‌طور کلی در مطالعات اقتصادی تورم با استفاده از سه نظریه زیر مورد بحث قرار می‌گیرد: تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه‌های تولید و تورم ناشی از عوامل نهادی و ساختاری.

در تورم ناشی از فشار تقاضا فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل علت اصلی تورم عنوان می‌شود برای مثال در بازار کالا افزایش مخارج مصرفی مستقل، افزایش سرمایه‌گذاری مستقل و عواملی از این دست منجر به بروز اضافه تقاضا و ایجاد تورم می‌شود.

تورم ناشی از فشار هزینه‌های تولید نیز به افزایش هزینه‌های تولید مثل افزایش مواد اولیه و یا افزایش حقوق و دستمزد نسبت داده می‌شود. مثال بارز این نوع تورم را می‌توان در کشورهای صنعتی پس از افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ مشاهده کرد.

تورم ساختاری بدان معنی است که به دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این دست تورم بروز کرده و تداوم می‌یابد. در واقع این نوع تورم علیرغم اینکه در نهایت خود را به‌صورت تورم فشار تقاضا و هزینه نشان می‌دهد، اما یک توضیح ساده ندارد، بلکه عوامل گوناگون و اغلب پیچیده‌ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارند. تورم ساختاری عمدتاً خاص کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. نکته مهم آن است که اگر تورم در کشورهای توسعه یافته با به‌کارگیری سیاست‌های پولی و مالی انقباضی تا حد زیادی قابل درمان و قابل کنترل است، در مورد تورم ساختاری در کشورهای در حال توسعه چنین نیست و استفاده از سیاست‌های پولی و مالی به منظور مقابله با تورم ممکن است چندان کارساز نبوده و هزینه‌های زیادی برای این گونه اقتصادها داشته باشد.

در توضیح تورم ساختاری به عواملی از قبیل کمبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، گسترده بودن بخش دولتی و تضعیف بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات باز دارنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، کسری بودجه مداوم و در حال گسترش دولت، گسترده‌گی بخش خدمات نامتناسب با نیاز این‌گونه جوامع که عمدتاً در سرویس دهی به بخش گسترده دولت رشد می‌کند، گسترش بی‌رویه و شدید

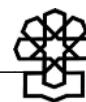
شهرنشینی، رشد سریع جمعیت و مواردی از این دست اشاره می‌شود.

لنس تیلور<sup>۱</sup> در تبیین پدیده تورم علاوه بر جاذبه تقاضا و فشار هزینه، تضادهای توزیعی و قدرت قیمتگذاری دلخواه مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم را عامل بروز تورم می‌داند. منظور از تضادهای توزیعی این است که صاحب هر کالا یا نهاده‌ای قیمت خود را بالا می‌برد تا سهم بالنسبه بیشتری از محصول کل را به دست آورد و وقتی همه این‌گونه عمل کنند تورم و پویایی‌های آن تقویت می‌شود و عامل ناهمزمانی و ناهماهنگی باعث می‌شود که همه انگیزه داشته باشند تا قیمت خود را بالا ببرند. اما وقتی همه به‌طور ناهمزمان و ناهماهنگ قیمت خود را بالا می‌برند در کوتاه‌مدت، جابجایی نسبی سهم‌های هر کدام از محصول ملی اتفاق می‌افتد. یا در جای دیگر لنس تیلور به وجود قدرت قیمتگذاری دلخواه اشاره می‌کند و معتقد است چون بازارهای عمیق رقابتی در چنین اقتصادهایی وجود ندارد صاحبان کالا و خدمات قدرت قیمتگذاری دارند و در مواقع مقتضی به‌طور دلخواه آن را بالا می‌برند (شاگری، ۱۳۹۳).

مطالعات بسیاری در داخل کشور در توضیح پدیده تورم انجام شده است که اکثر این مطالعات تورم را پدیده‌ای پولی در نظر می‌گیرند و علت اصلی تورم در ایران را به رشد نقدینگی نسبت می‌دهند. بنابراین در اکثر موارد به دولت توصیه می‌شود که نقدینگی و به تبع آن پایه پولی را کنترل کند. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که اگر بخواهیم تورم را صرفاً در چارچوب نظریه پولی تحلیل کنیم تنها علت تورم، نقدینگی است و طبیعتاً تورم ناشی از فشار هزینه‌ها، تورم‌های ناشی از شوک درمانی‌ها، قدرت قیمتگذاری دلخواه و نقش تضادهای توزیعی موضوعیت خود را از دست می‌دهد. به لحاظ نظری وقتی تورم انحصاراً در افزایش نقدینگی صرف، تحلیل و ریشه‌یابی می‌شود که اولاً پول در اقتصاد به‌طور کامل فعال باشد، سرعت گردش پول ثابت باشد و تابع تقاضای پول تابعی باثبات باشد. برقراری فروض زیر در اقتصاد ایران نیازمند بررسی است.

در اقتصاد ایران این ایده که تأثیر افزایش دائمی قیمت‌های کلیدی اگر با افزایش نقدینگی همراه نباشد تأثیری بر تورم ندارد جای بحث دارد به‌خصوص اگر این افزایش قیمت‌ها به گونه‌ای باشد که هزینه‌های تولید به شدت افزایش یابد و عوامل قیمتگذار دلخواه پس از شوک درمانی‌ها و شکل‌گیری فضای تورمی، قیمت‌های بخش خود را بالا ببرند. این احتمال وجود دارد که وقتی سیاست‌های شوک درمانی در اقتصاد انجام شود، انعطاف سرعت گردش پول و وجود پول منفعل در اقتصاد، مجال بروز تورم‌های بالا را فراهم نماید حتی اگر پول جدیدی خلق نشود. اما معمولاً باید با بروز تورم، پول منفعل هم خلق شده و همراهی کند. در ادامه گزارش ابتدا به بررسی کیفی و کمی تورم در سال‌های اخیر می‌پردازیم و سپس کانال‌های اثرگذاری شوک‌های وارد شده به اقتصاد بر تورم بررسی می‌شود.

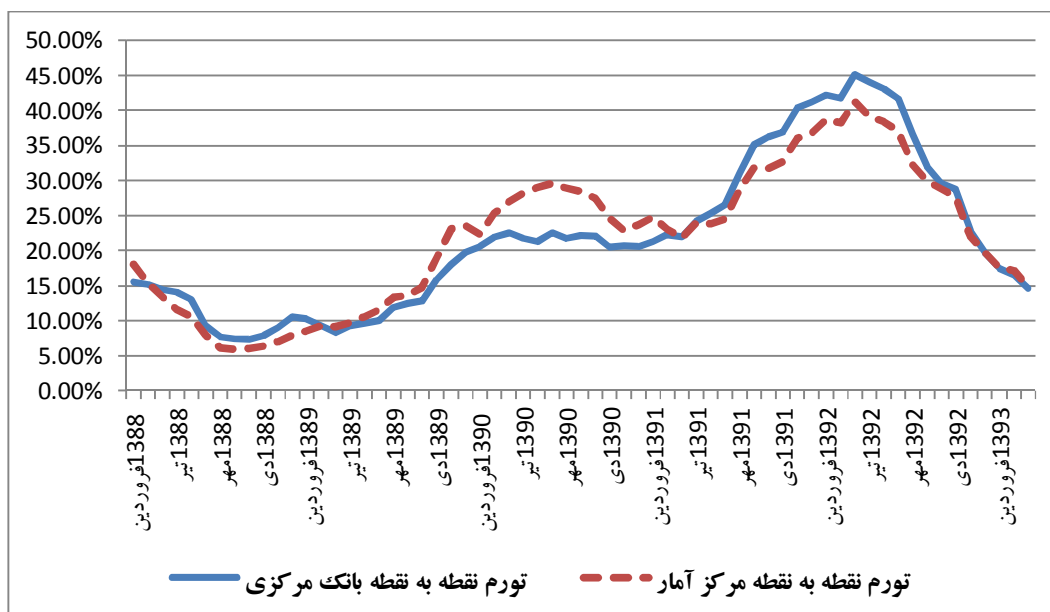
1. Lance Taylor



## ۱. بررسی کمی تورم در چند سال اخیر

قبل از بررسی روند تورم طی سال‌های اخیر باید به این نکته توجه داشت که شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران توسط دو مرجع آماری مختلف یعنی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی تهیه و منتشر می‌شود. نمودار ۱ تورم نقطه به نقطه اعلام شده توسط این دو مرجع آماری را در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید هر چند روند کلی هر دو شاخص مشابه است، اما در برخی موارد آمار اعلام شده توسط این دو مرجع تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. برای مثال در مردادماه ۱۳۹۰ تورم نقطه به نقطه اعلام شده توسط بانک مرکزی حدود ۲۱ درصد و همین عدد برای مرکز آمار حدود ۲۹ درصد است. بنابراین لزوم هماهنگی در آمار منتشر شده توسط این دو نهاد ضروری به نظر می‌رسد که این موضوع خود نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد. مرجع آماری مورد استفاده در این گزارش بانک مرکزی است<sup>۱</sup> با این حال در مواردی به سبب منتشر نشدن برخی آمار توسط بانک مرکزی، ناگزیر از شاخص‌های قیمت مرکز آمار استفاده شده است.

نمودار ۱. مقایسه تورم نقطه به نقطه بانک مرکزی و مرکز آمار



مأخذ: شاخص‌های قیمت بانک مرکزی و مرکز آمار ایران.

۱. از آنجا که در این مطالعه از شاخص قیمت تولیدکننده استفاده بسیاری شده است و به دلیل اینکه این شاخص تنها توسط بانک مرکزی منتشر می‌شود در این مطالعه این مرجع آماری مورد استفاده قرار گرفته است.

### ۱-۱. وضعیت تورم ایران در جهان

جدول زیر ۱۰ کشور دارنده بالاترین نرخ تورم در جهان را طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید در این ۵ سال بجز سال ۲۰۱۰ ایران همواره جز ۱۰ کشور دارای بالاترین تورم در جهان بوده است و به خصوص اینکه رتبه ایران در این سال‌ها رو به افزایش بوده است به طوری که در سال ۲۰۱۳ به رتبه دوم بالاترین تورم در میان کشورهای جهان رسیده است.

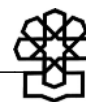
جدول ۱.۱. ۱۰ کشور دارای بالاترین تورم در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳

رتبه	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱	سیشل	ونزوئلا	بلاروس	بلاروس	ونزوئلا
۲	ونزوئلا	سیرالئون	سودان جنوبی	سودان	ایران
۳	غنا	گینه	اتیوپی	سوریه	مالاوی
۴	سائو تومه و پرنسیپ	آنگولا	ونزوئلا	ایران	بلاروس
۵	اکراین	پاکستان	سودان	اتیوپی	یمن
۶	آنگولا	نیجریه	گینه	مالاوی	گینه
۷	پاکستان	سودان	ایران	ونزوئلا	غنا
۸	ایران	سائو تومه و پرنسیپ	اوگاندا	بوروندی	هند
۹	زامبیا	موزامبیک	ویتنام	یمن	سیرالئون
۱۰	اوگاندا	جامائیکا	سورینام	تانزانیا	مصر

مأخذ: بانک جهانی.

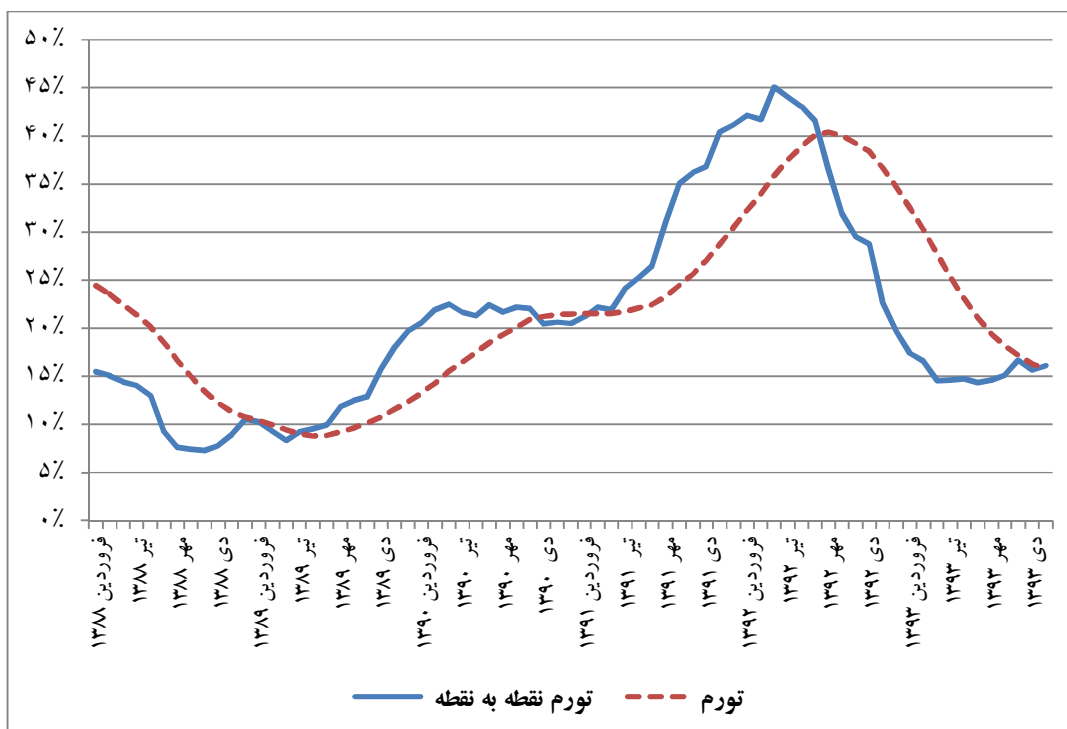
### ۱-۲. تحلیل وضعیت نرخ تورم و نرخ تورم نقطه به نقطه

بررسی شاخص قیمت کالاها و خدمات از انتهای سال ۱۳۸۸ تا خردادماه ۱۳۹۳ حاکی از روند افزایشی نرخ تورم تا آبان‌ماه ۱۳۹۲ و روند کاهشی پس از آن است. با مشاهده نمودار ۲ مشخص می‌شود از شهریورماه ۱۳۸۹ روند افزایشی این نرخ آغاز شد، به طوری که در اسفندماه به ۱۲ درصد رسید. با اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سه ماهه پایانی سال ۱۳۸۹ نرخ تورم طبق انتظار رو به افزایش نهاد و در نیمه اول سال ۱۳۹۰ این عامل دلیل اصلی افزایش نرخ تورم بود به طوری که این نرخ از ۱۳/۲ درصد در فروردین‌ماه به ۲۱/۵ درصد در پایان سال ۱۳۹۰ رسید. در شرایطی که انتظار می‌رفت با گذشت یک سال از اجرای مرحله اول هدفمند کردن یارانه‌ها نرخ تورم رو به کاهش بگذارد، اما تحولات بازار ارز باعث ادامه



روند افزایشی نرخ تورم از سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۰ به بعد گردید. در سال ۱۳۹۱ با وقوع یک شوک ارزی دیگر در شهریور و مهرماه نرخ تورم با روند فزاینده ای همراه شد. تداوم این روند در سال ۱۳۹۱ موجب شد تورم از ۲۱/۸ درصد در فروردین ماه به ۳۰/۵ درصد در اسفندماه ۱۳۹۱ افزایش یابد. ادامه این روند در سال ۱۳۹۲ نیز باعث افزایش تورم تا ۴۰/۴ درصد در مهرماه شده است. با از بین رفتن اثر شوک های ذکر شده و سیاست های ضدتورمی دولت در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ نرخ تورم روندی کاهشی به خود گرفته است و در بهمن ماه ۱۳۹۳ به ۱۵/۸ درصد رسیده است.

نمودار ۲. مقایسه نرخ تورم و نرخ تورم نقطه به نقطه



مأخذ: شاخص قیمت های بانک مرکزی.

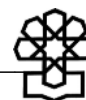
بررسی درصد تغییر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در هر ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) طی سال های مورد بررسی در اکثر ماه ها نمایانگر رشد بالاتر تورم نقطه به نقطه نسبت به تورم سالیانه است.

تورم نقطه به نقطه تا خردادماه ۱۳۸۹ روندی کاهشی داشته است و پس از آن روند افزایشی آن آغاز شده است که این می تواند به سبب انتظارات ناشی از اجرای فاز نخست هدفمندی یارانه ها باشد. در دی ماه

۱۳۸۹ با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها طبق برآوردهای قبلی این روند از شتاب بیشتری برخوردار شد و در اسفندماه ۱۳۸۹ به ۱۹/۹ درصد رسید. در سال ۱۳۹۰ شاخص مذکور روندی افزایشی یکسان و یکنواختی داشته است به طوری که از ۱۹/۷ درصد در فروردین ماه ۱۳۹۰ به ۲۱/۸ درصد در اسفندماه این سال رسیده است. اما در سال ۱۳۹۱ روند شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به ماه مشابه سال قبل (با شروع شوک ارزی در انتهای سال) روند فزاینده‌ای داشته به طوری که از ۲۳/۹ درصد در فروردین ماه به ۴۱/۲ درصد در اسفندماه ۱۳۹۱ رسیده است. ادامه این روند تورم نقطه به نقطه در خردادماه سال ۱۳۹۲ به بالاترین میزان خود طی سال‌های اخیر یعنی ۴۵ درصد رسیده است و پس از آن روند کاهشی خود را آغاز کرده و در شهریور ماه به ۱۴/۴ درصد تنزل یافت، اما پس از آن با کمی افزایش نسبتاً ثابت مانده و در بهمن ماه ۱۳۹۳ به ۱۶/۲ درصد رسیده است و در صورت نبود شوک جدی انتظار بر این است که تا پایان سال همین نرخ حفظ شود.

### ۳-۱. تحلیل تورم تولیدکننده

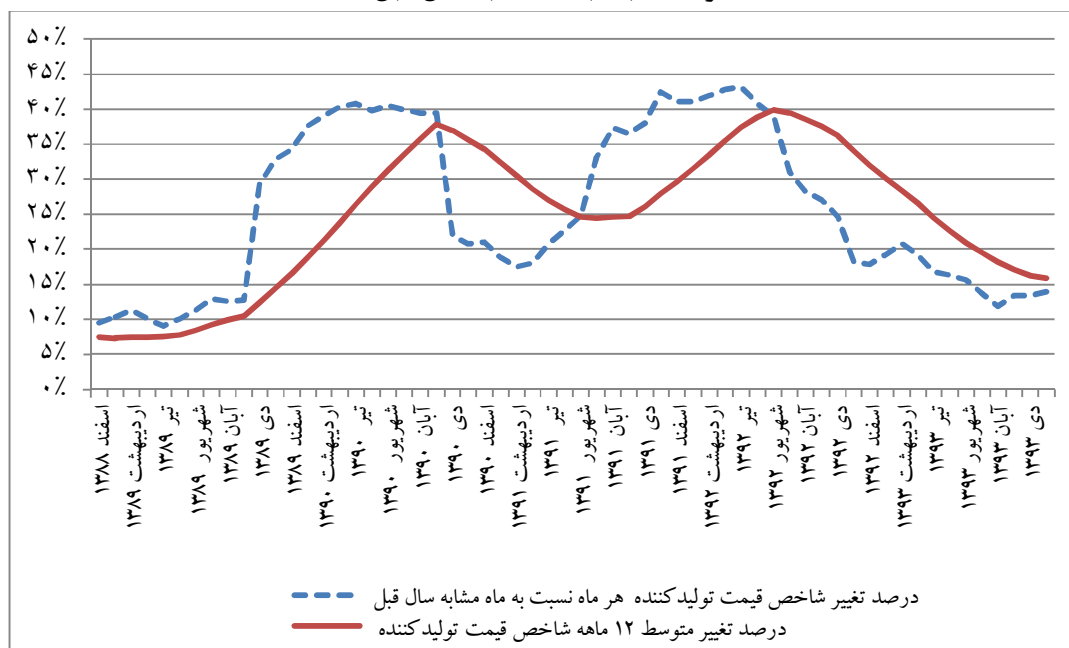
بررسی شاخص قیمت تولیدکننده (نمودار ۳) نشان می‌دهد که متوسط ۱۲ ماهه این شاخص از فروردین ماه ۱۳۸۹ تا مردادماه ۱۳۸۹ روند نزولی داشته است و به نرخی تک‌رقمی با آهنگ تغییرات جزئی تبدیل شده است. این نرخ برای ماه‌های بعد از شهریورماه ۱۳۸۹ پیش از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها بر خلاف گذشته خود روندی افزایشی یافته است که پس از اجرای این قانون با شتاب بیشتر افزایش یافته است و تا آذرماه ۱۳۹۰ روند مذکور ادامه داشت، اما این روند پس از گذشت یک سال از اجرای این قانون مستهلک شد، به طوری که از آبان‌ماه ۱۳۹۰ جهت تغییرات کاهشی شده و تا آبان‌ماه ۱۳۹۱ به این روند ادامه داده است، اما در آذرماه ۱۳۹۱ بر خلاف یک سال گذشته دوباره روند افزایشی به خود گرفته است و تا پایان سال ۱۳۹۱ به این روند ادامه داده است و در اسفندماه این سال به ۲۹/۶ درصد رسیده است. هر چند متوسط ۱۲ ماهه شاخص تولیدکننده روند نزولی خود را تا آبان‌ماه ۱۳۹۱ حفظ کرده، اما باید به این نکته توجه کرد که دلیل اصلی این کاهش به دلیل چگونگی محاسبه نرخ تورم به صورت متوسط ۱۲ ماهه منتهی به ماه مورد نظر است. به عبارت دیگر اعداد بزرگ برای ماه‌های نزدیک به آذرماه ۱۳۸۹ به مرور از متوسط‌گیری خارج می‌شوند که خود موجب کاهش این شاخص می‌شود. این شاخص از ۳۴ درصد در اسفندماه ۱۳۸۹ به ۲۱ درصد در اسفندماه ۱۳۹۰ رسیده است و افزایش مجدد آن در ماه‌های خرداد و شهریور ۱۳۹۱ مربوط به افزایش نرخ ارز است. بنابراین تورم نقطه به نقطه از خرداد تا شهریورماه ۱۳۹۱ بر خلاف روند پیش‌بینی آهنگی افزایشی یافته است و این روند تا شهریورماه ۱۳۹۲ ادامه یافته است که از



این ماه به بعد روند نزولی آن آغاز شده و در بهمن ماه ۱۳۹۳ به ۱۵/۳ درصد رسیده است که با توجه به پایین تر بودن نرخ تغییرات هر ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل از این شاخص انتظار می‌رود درصد تغییرات ۱۲ ماهه شاخص قیمت تولیدکننده همچنان روند نزولی خود را حفظ کند.

روند تغییرات شاخص بهای تولیدکننده در هر ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل (رشد نقطه‌ای) از فروردین ماه ۱۳۸۹ تا آذر ماه همان سال با یک روند با ثبات بین ۹/۱ تا ۱۳/۲ درصد با آهنگ تغییرات جزئی روبرو بوده است، اما از دی ماه ۱۳۸۹ با اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها با افزایش قابل توجهی همراه بوده است که این افزایش تا تیرماه سال ۱۳۹۰ ادامه داشته است.

نمودار ۳. مقایسه درصد تغییر متوسط ۱۲ ماهه شاخص قیمت تولیدکننده و درصد تغییر آن هر ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل

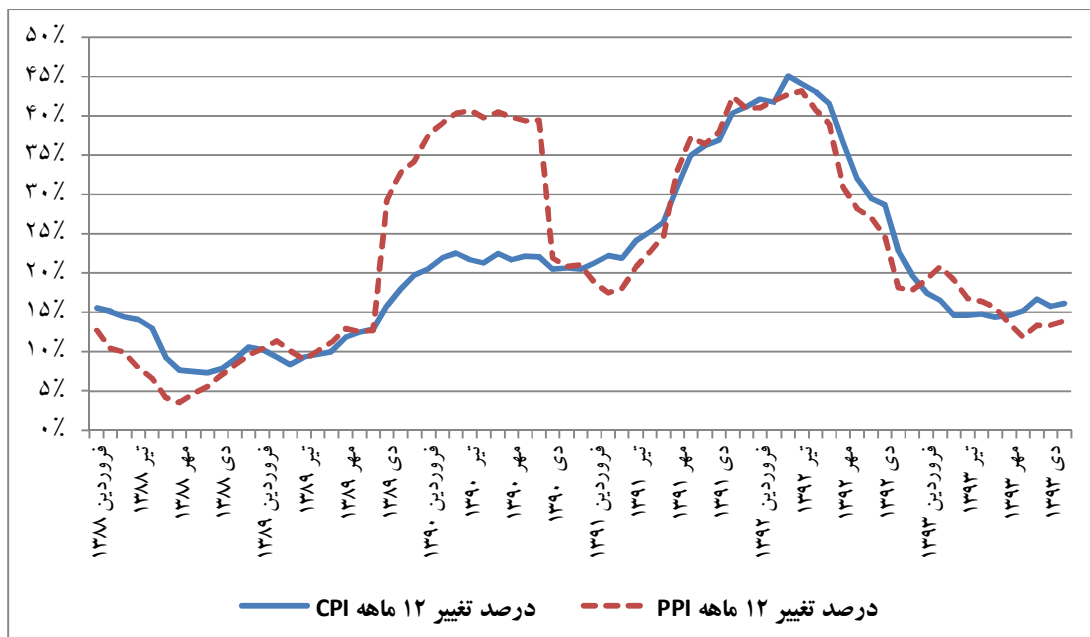


مأخذ: همان.

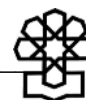
این نرخ از مردادماه ۱۳۹۰ تا آذرماه همان سال تقریباً با ثبات و حدود ۳۹ درصد بوده است، اما این روند پس از گذشت یک سال از اجرای قانون مستهلک شده است به طوری که در دی ماه ۱۳۹۰ به یکباره جهت این تغییرات کاهش یافته و تا مردادماه ۱۳۹۱ این روند ادامه داشته است. اما از شهریورماه ۱۳۹۱ بر خلاف یک سال گذشته دوباره روند آن افزایشی شده است. در دی ماه ۱۳۹۱ نسبت به ماه مشابه سال قبل آهنگ رشد تشدید شده است به طوری که در مهر آبان و آذر و دی ماه با رشد فزاینده‌ای نسبت به ماه مشابه

سال قبل همراه بوده است. شاخص بهای تولیدکننده در اسفندماه ۱۳۹۱ در مقایسه با سال گذشته از رشد ۴۱ درصدی برخوردار است. این در حالی است که در دوره مشابه سال قبل شاخص بهای تولیدکننده رشد ۲۱ درصدی را تجربه کرده است. روند فزاینده تغییرات نقطه به نقطه شاخص قیمت تولیدکننده تا تیرماه ۱۳۹۲ ادامه یافته و از آن به بعد روند کاهنده به خود گرفته است و در اسفندماه ۱۳۹۲ به ۱۷/۸ درصد رسیده است با این حال اجرای فاز دوم قانون هدفمندکردن یارانه‌ها باعث افزایش این نرخ به ۲۰/۸ در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ شده است. مقایسه درصد تغییر سالیانه شاخص قیمت تولیدکننده و تورم نقطه به نقطه (نمودار ۴) نشان می‌دهد این دو متغیر بجز در زمان اجرای فاز اول و دوم هدفمندکردن یارانه‌ها در اکثر زمان‌ها روند مشابهی داشته‌اند. این مقایسه همچنین نشان می‌دهد اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به طور آنی بر شاخص قیمت تولیدکننده اثرگذار بوده، اما با تأخیر زمانی و به طور ملایم بر شاخص قیمت مصرف‌کننده اثرگذار بوده است. همچنین شوک‌های ارزی تقریباً آثار مشابهی بر هر دو شاخص داشته‌اند.

نمودار ۴. مقایسه درصد تغییر سالیانه PPI و نرخ تورم نقطه به نقطه ۱۲ ماهه



مأخذ: همان.



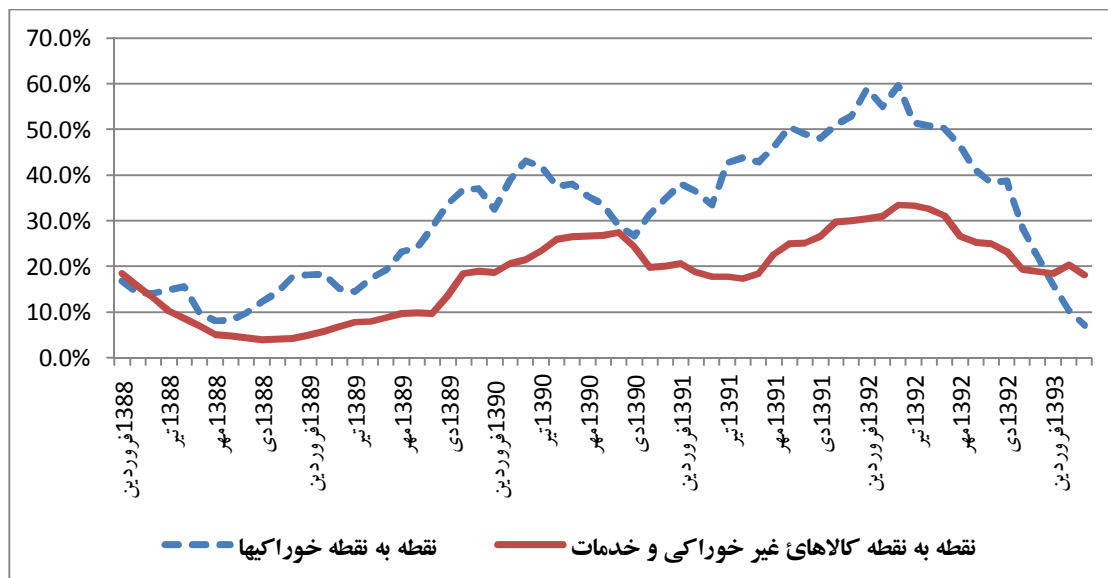
## ۲. بررسی کیفی تورم سال‌های اخیر

صرفنظر از نرخ بالای تورم، بررسی کیفیت تورم به این دلیل که می‌تواند برای مصرف‌کنندگان و یا تولیدکنندگان مختلف آثار رفاهی متفاوتی داشته باشد حائز اهمیت است. در ادامه به بررسی کیفی تورم در سال‌های اخیر پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است در این بخش تنها به بیان کلیاتی از ویژگی‌های تورم در این دوره بیان می‌شود و دلایل هریک از این ویژگی‌ها به‌طور مفصل در گزارش‌های آتی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. بیشتر بودن تورم خوراکی‌ها از غیر خوراکی‌ها

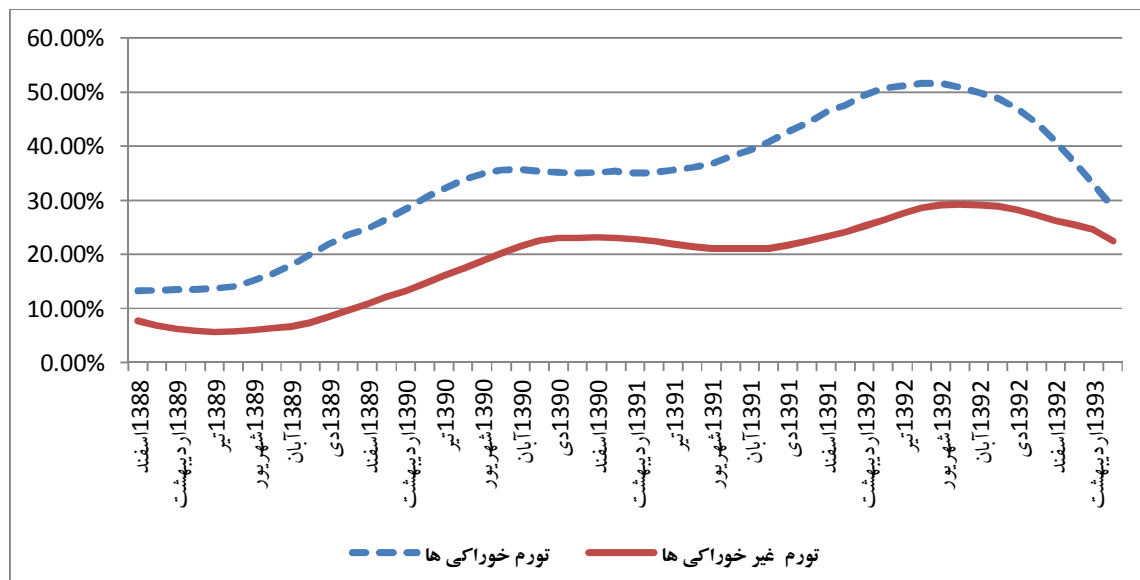
نمودار ۵ نیز مقایسه‌ای از روند تورم خوراکی‌ها را با روند تورم غیر خوراکی‌ها ارائه می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌کنید تا اواخر سال ۱۳۹۲ تورم خوراکی‌ها بیشتر از کالاهای غیر خوراکی و خدمات بوده است و این موضوع به خصوص برای دهک‌های پایین درآمدی که خوراکی‌ها سهم بیشتری از بودجه خانوارشان را تشکیل می‌دهد زیان‌های رفاهی بیشتری را به همراه داشته است.

نمودار ۵. مقایسه تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها و غیر خوراکی‌ها



مأخذ: همان.

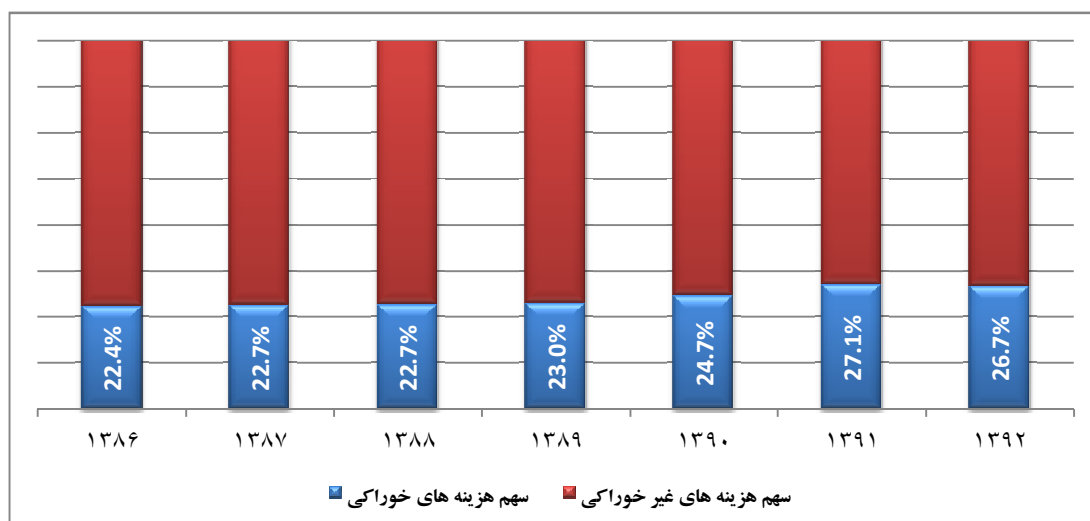
نمودار ۶. مقایسه تورم خوراکی‌ها و غیر خوراکی‌ها



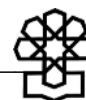
مأخذ: همان.

نمودار ذیل نشان می‌دهد سهم هزینه‌های خوراکی در بودجه خانوارهای شهری از سال ۱۳۸۹ به بعد روندی صعودی به خود گرفته است و در سال ۱۳۹۱ به ۲۷/۱ درصد رسیده است که این موضوع به سبب تورم بالاتر خوراکی‌ها نسبت به غیر خوراکی‌ها در این دوره رخ داده است.

نمودار ۷. سهم هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی از بودجه خانوارهای شهری



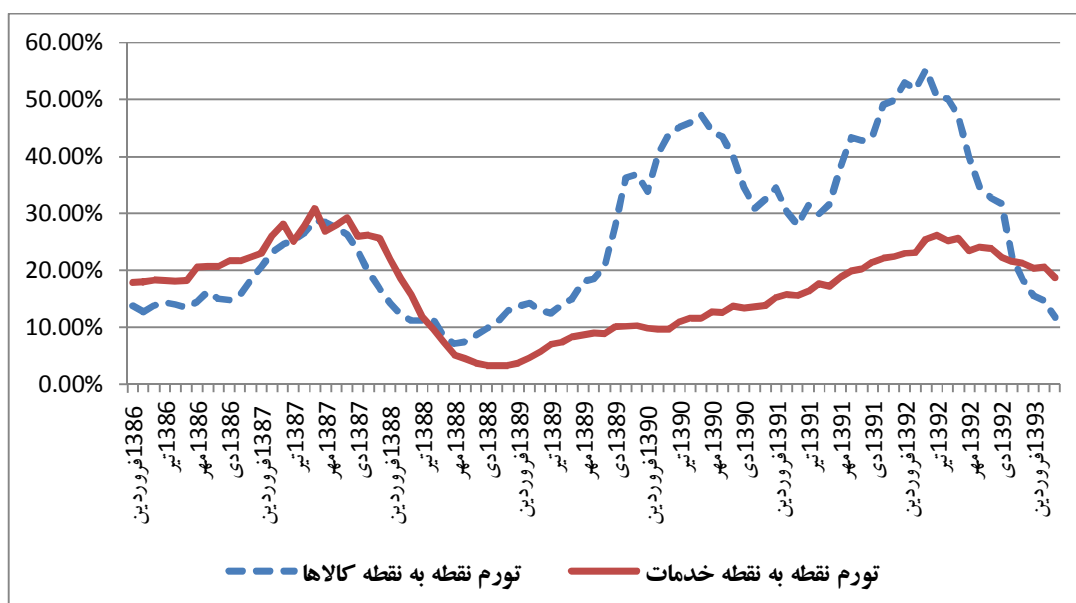
مأخذ: آمار هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران.



## ۲-۲. تأثیرات متفاوت شوک‌ها بر تورم کالاها و خدمات

نمودار ۸ مقایسه تورم نقطه به نقطه کالاها و خدمات را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌کنید تورم نقطه به نقطه کالاها به شدت تحت تأثیر شوک‌های وارد شده به اقتصاد قرار گرفته است این در حالی است که تورم نقطه به نقطه خدمات دارای روندی ملایم و افزایشی است.

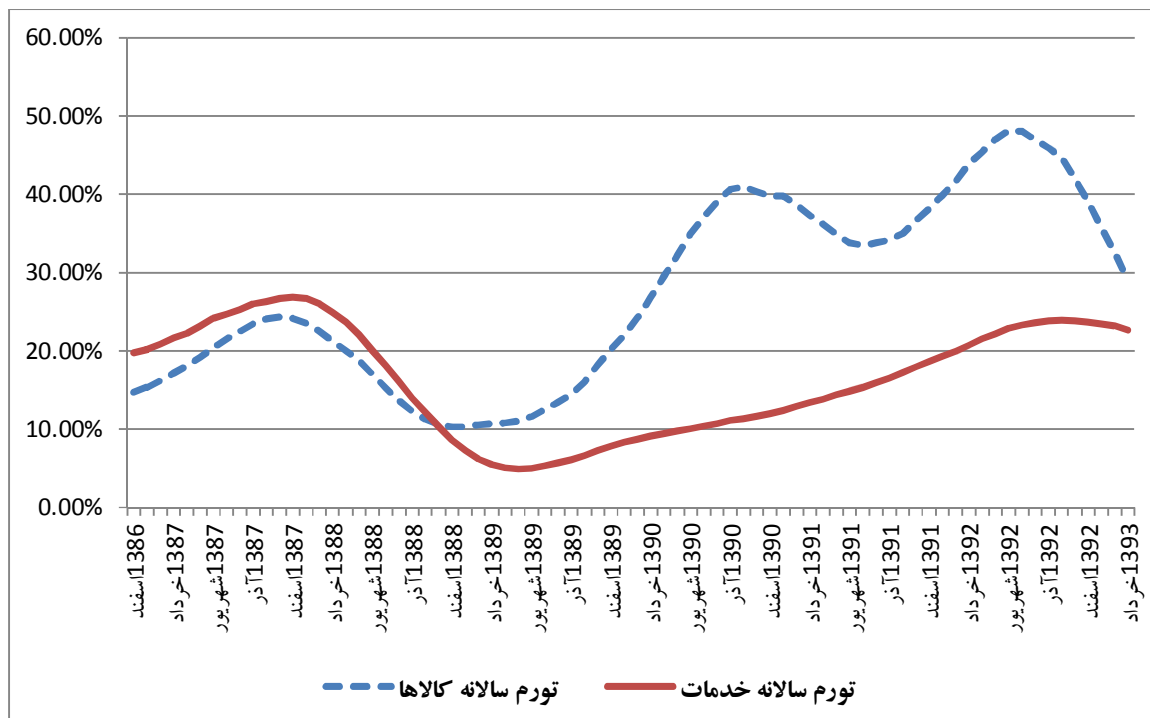
نمودار ۸. مقایسه تورم نقطه به نقطه کالاها و خدمات



مأخذ: همان.

همچنین نمودار ۹ تورم کالاها و خدمات را نشان می‌دهد. این نمودار نشان می‌دهد در تمام دوره اخیر نرخ تورم کالاها بیش از نرخ تورم خدمات بوده است همچنین نوسان تورم کالاها از خدمات بسیار بیشتر بوده است. در توضیح این موضوع می‌توان دلایلی از جمله دولتی بودن بخشی از خدمات، قیمتگذاری خدمات توسط اصناف و محدودیت در افزایش قیمت توسط بنگاه‌های خدماتی و همچنین ناقص‌تر بودن بازار کالاها از خدمات را بیان کرد.

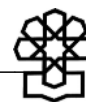
نمودار ۹. مقایسه تورم کالاها و خدمات



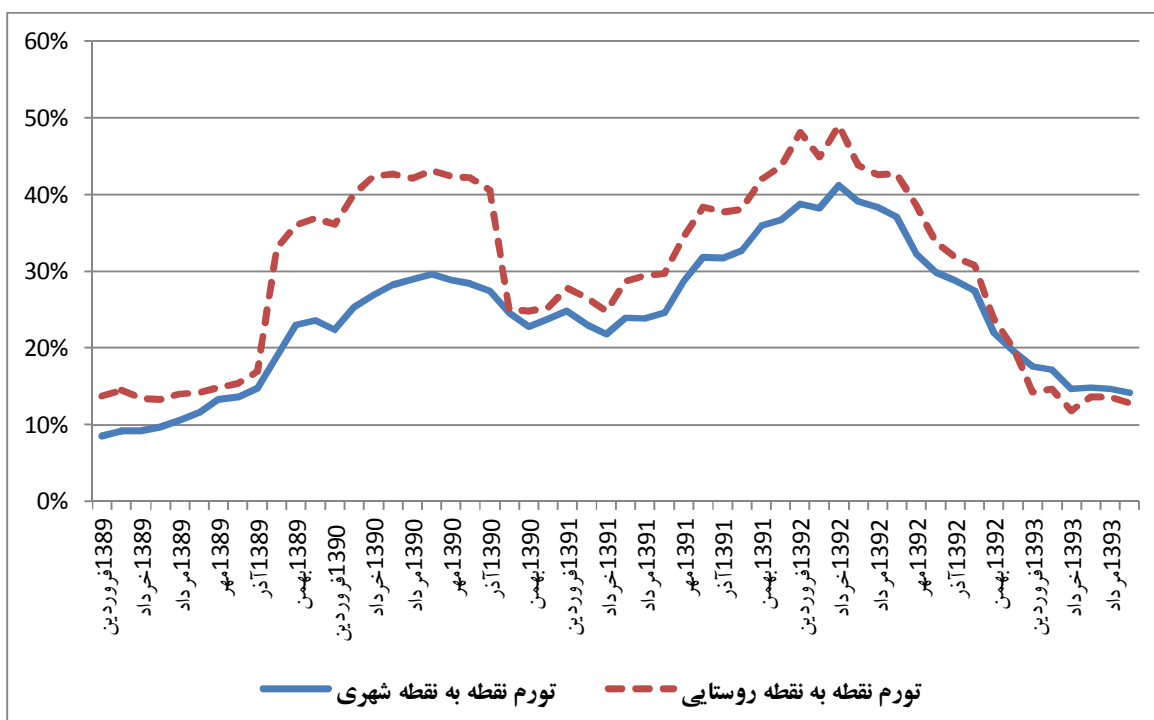
مأخذ: همان.

### ۳-۲. بیشتر بودن تورم روستایی از شهری

نمودار ۱۰ مقایسه‌ای از وضعیت تورم در مناطق شهری و روستایی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌کنید منحنی تورم بعد از هدفمندی یارانه‌ها دارای شیب زیادی شده است. همچنین علیرغم انطباق تورم مناطق روستایی و شهری قبل از هدفمندی یارانه‌ها، با نزدیک شدن به موعد اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها نرخ تورم در مناطق روستایی به نحو معناداری از مناطق شهری پیشی می‌گیرد که کمتر سابقه داشته است. با در نظر گرفتن شکاف درآمدی موجود میان خانوارهای شهری و روستایی، وضعیت تورم نشان می‌دهد که شوک‌های وارد شده به اقتصاد می‌تواند به افزایش این شکاف و بدتر شدن توزیع درآمدها بین خانوارهای روستایی و شهری منجر شده باشد. با توجه به اینکه که نتایج طرح هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم کالاهای خوراکی و پوشاک در بودجه خانوارهای روستایی و شهری در سال ۱۳۸۹ به ترتیب ۴۴ و ۲۸ درصد بوده است و طبق آنچه در بخش قبل در رابطه با اثرپذیری بیشتر تورم کالاها نسبت به خدمات از شوک‌های هدفمندی و ارزی بیان شد این نتایج قابل انتظار بوده است.

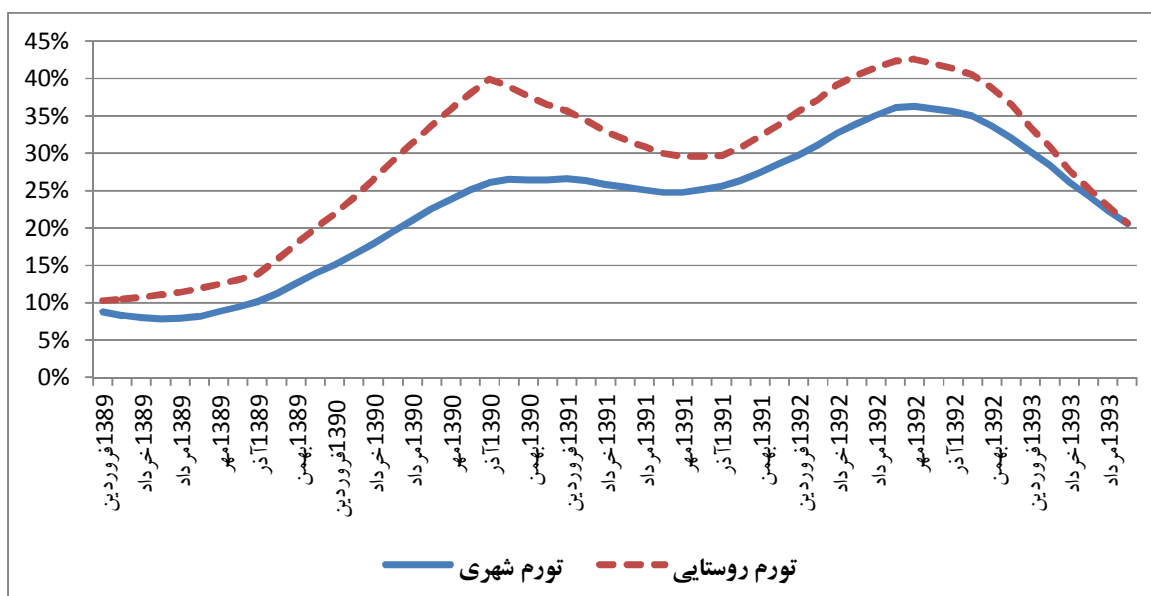


نمودار ۱۰. مقایسه تورم نقطه به نقطه در مناطق روستایی و شهری



مأخذ: همان.

نمودار ۱۱. مقایسه تورم در مناطق روستایی و شهری



مأخذ: همان.

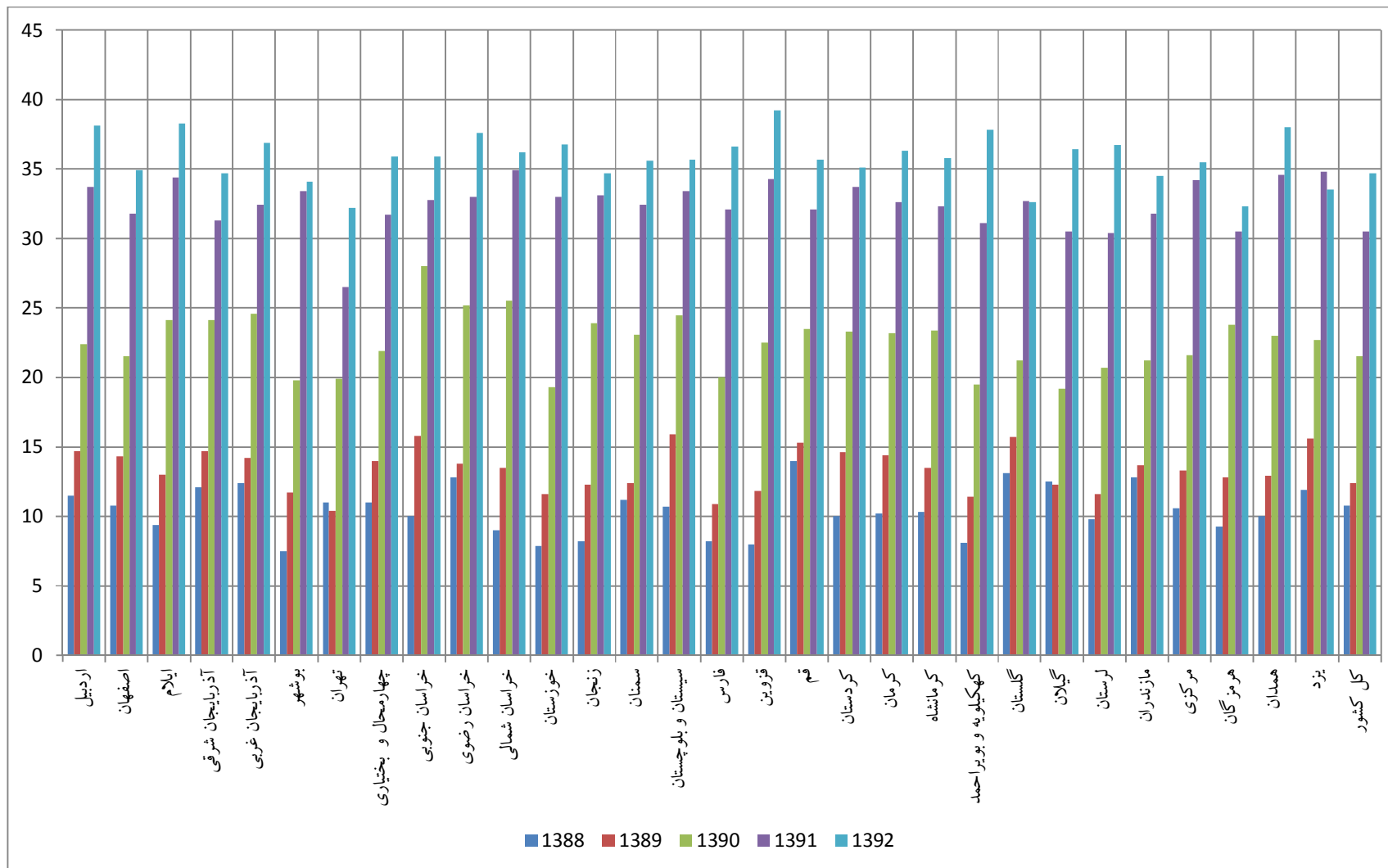
#### ۴-۲. تفاوت تورم در مناطق مختلف کشور

نمودار ۱۲ نرخ تورم استان‌های مختلف کشور را در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌کنید نرخ تورم بین استان‌های مختلف کشور در طی این دوره متفاوت بوده است. همچنین با اعمال شوک‌های هدفمندی و ارزی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ تفاوت تورم افزایش پیدا کرده است این موضوع نشان می‌دهد که علاوه بر اینکه شوک‌ها باعث افزایش تورم شده‌اند، بلکه در مناطق مختلف کشور نیز آثار متفاوتی به همراه داشته است. برای مثال نرخ تورم در تهران نسبت به استان‌های فقیرتر به نسبت کمتری افزایش یافته که این موضوع نشان‌دهنده زیان رفاهی بیشتر تورم در استان‌های فقیرتر بوده است.

همچنین جدول ۲ نشان می‌دهد تورم دارای توزیع متفاوتی در سطح کشور بوده است و موقعیت جغرافیایی در نرخ تورم تأثیر گذار بوده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌کنید اکثر استان‌های با تورم بالا استان‌های مرزی و اکثر استان‌های تورم پایین استان‌های ساحلی هستند که در جدول شماره ۲ با ترام کم‌رنگ و پررنگ مشخص شده است. در توضیح این موضوع دلایلی از جمله بالاتر بودن سهم خدمات در سبد خانوارهای با تورم پایین تر مثل تهران و استان‌های ساحلی و همچنین نقص نظام توزیعی کشور و... را می‌توان ذکر کرد.



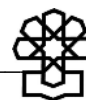
نمودار ۱۲. مقایسه نرخ تورم استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲



جدول ۲. متوسط نرخ تورم استان‌های کشور در دوره مورد بررسی

رتبه	متوسط تورم ۵ ساله	متوسط تورم ۴ ساله	متوسط تورم ۳ ساله
۱	تهران	تهران	تهران
۲	بوشهر	گیلان	گیلان
۳	فارس	بوشهر	گلستان
۴	کهگیلویه و بویراحمد	هرمزگان	هرمزگان
۵	خوزستان	لرستان	بوشهر
۶	هرمزگان	فارس	مازندران
۷	لرستان	کهگیلویه و بویراحمد	لرستان
۸	گیلان	خوزستان	اصفهان
۹	زنجان	مازندران	کهگیلویه و بویراحمد
۱۰	اصفهان	گلستان	فارس
۱۱	مازندران	اصفهان	خوزستان
۱۲	چهارمحال و بختیاری	چهارمحال و بختیاری	چهارمحال و بختیاری
۱۳	سمنان	سمنان	آذربایجان شرقی
۱۴	مرکزی	زنجان	یزد
۱۵	کرمانشاه	مرکزی	سمنان
۱۶	گلستان	آذربایجان شرقی	مرکزی
۱۷	قزوین	کرمانشاه	قم
۱۸	کرمان	کرمان	کرمانشاه
۱۹	کردستان	یزد	زنجان
۲۰	آذربایجان شرقی	قم	کرمان
۲۱	یزد	کردستان	کردستان
۲۲	همدان	قزوین	سیستان و بلوچستان
۲۳	خراسان شمالی	آذربایجان غربی	آذربایجان غربی
۲۴	ایلام	همدان	اردبیل
۲۵	سیستان و بلوچستان	اردبیل	همدان
۲۶	اردبیل	سیستان و بلوچستان	خراسان رضوی
۲۷	آذربایجان غربی	خراسان رضوی	قزوین
۲۸	قم	ایلام	خراسان شمالی
۲۹	خراسان رضوی	خراسان شمالی	خراسان جنوبی
۳۰	خراسان جنوبی	خراسان جنوبی	ایلام

مأخذ: شاخص‌های قیمت بانک مرکزی.



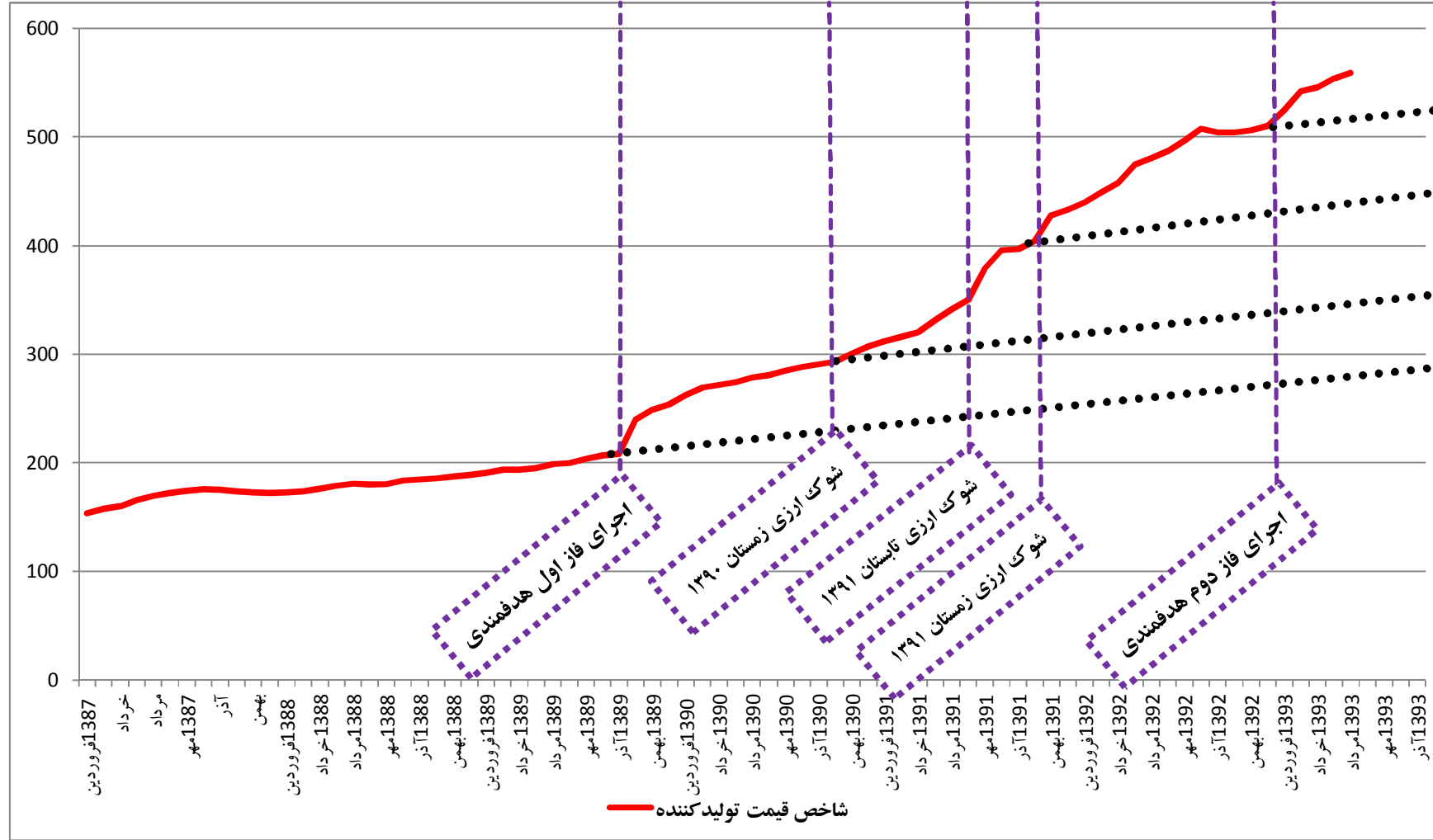
### ۳. تحلیلی از علل تورم در ایران

همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد تورم در سال‌های اخیر روندی فزاینده داشته است به‌طوری‌که در مهرماه ۱۳۹۲ به ۴۰/۴ درصد رسید. با این حال این نرخ در ماه‌های بعد روندی کاهشی به خود گرفت و در مردادماه ۱۳۹۳ به ۲۳/۱ درصد رسیده است و با توجه به پایین‌تر بودن نرخ تورم نقطه به نقطه نسبت به نرخ تورم سالیانه انتظار می‌رود این روند کاهنده ادامه یابد. در ادامه سعی می‌شود به بررسی دلایل این فراز و فرود تورم پرداخته شود.

نمودار ۱۳ اثر شوک‌های وارد شده به اقتصاد در سال‌های اخیر را بر شاخص قیمت تولیدکننده نشان می‌دهد. نقطه چین‌های کشیده شده در امتداد منحنی شاخص قیمت تولیدکننده رفتار این شاخص را در صورتی که شوک اتفاق نمی‌افتاد نشان می‌دهد. بر این اساس در صورت نبود شوک‌ها شاخص قیمت تولیدکننده با نرخ رشدی در حدود ۱۰ درصد روبرو بود که به‌نظر می‌رسد ناشی از عوامل ساختاری اقتصاد است. با این حال همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌کنید اجرای مراحل اول و دوم قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در دی‌ماه ۱۳۸۹ و اوایل بهار ۱۳۹۳ و همچنین افزایش نرخ ارز در دی‌ماه ۱۳۹۰، شهریورماه ۱۳۹۱ و زمستان ۱۳۹۱ به سبب اعمال تحریم‌ها باعث جابجایی روند شاخص قیمت تولیدکننده به سمت بالا شده است. که البته در برخی موارد مثل اجرای مراحل اول و دوم اثر شوک پس از دوره‌ای در شاخص قیمت تولیدکننده تخلیه شده است، اما این موضوع را در رابطه با برخی شوک‌های ارزی و به خصوص شوک زمستان ۱۳۹۰ این امر صادق نبوده و بدون تخلیه شدن اثر شوک قبلی شوک جدیدی به اقتصاد وارد شده است.

در ادامه به بررسی آثار این شوک‌ها و کانال‌های اثرگذاری هریک می‌پردازیم.

نمودار ۱۳. اثر شوک‌های وارد شده به اقتصاد بر شاخص قیمت تولیدکننده





### ۱-۳. شوک ناشی از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و اثر آن بر تورم

چگونگی اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها همچنان از مهمترین مسائل اقتصاد ایران است. ارزیابی‌های متفاوتی از اجرای مرحله اول این قانون در دی ماه ۱۳۸۹ توسط صاحب‌نظران ارائه شده است که بسیاری از آنان بر نقش قابل توجه اجرای این قانون بر تورم مصرف‌کننده و تولیدکننده تأکید دارند.

با توجه به شواهدی که در قسمت‌های قبلی گزارش مبنی بر تأثیر شوک‌های قیمتی بر تورم ارائه شد و استدلال‌ها و شواهدی که در ادامه ارائه می‌شود، به نظر می‌رسد سازگاری کامل نظریه پولی تورم در اقتصاد ایران محل تردید باشد. به عبارت دیگر برخی ایرادات بر این نظریه وارد است که در ادامه برخی از آنها تبیین می‌شود. طبق تعریف، تورم عبارت است از رشد شاخص قیمت‌ها، شاخص قیمت‌ها هم عبارت از میانگین وزنی از نسبت قیمت سال مورد نظر به سال قبل صدها کالا و خدمات. لذا اگر قیمت چند کالا نسبت به قبل افزایش یابد بسته به وزنی که این کالاها در سبد کالایی دارند شاخص قیمت‌ها و بنابراین رشد آن افزایش می‌یابد و مسلماً اگر کالاهای مذکور، کالاهای اساسی و کلیدی باشند قیمت کالاهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته در دیدگاه مورد اشاره تورم عبارت است از افزایش مستمر و همه‌گیر قیمت‌ها و با تغییر چند کالا نمی‌توان بحث از تورم کرد. اما وقتی در اقتصادی، قیمت کم‌وبیش همه کالاها به‌طور مستمر در حال افزایش است، تغییر چند قیمت کلیدی معمولاً در فضای بی‌ثبات قیمت‌ها، سایر قیمت‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به‌طور کلی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها می‌تواند از کانال‌های ذیل بر تورم اثرگذار باشد:

(الف) افزایش هزینه‌های تولید به سبب افزایش قیمت حامل‌های انرژی

(ب) فشار تورمی طرف تقاضا به سبب پرداخت یارانه به‌صورت نقدی به خانوارها آن هم به میزانی

بیشتر از درآمدهای ناشی از هدفمندسازی یارانه‌ها،

(ج) افزایش انتظارات تورمی،

(د) افزایش توان قیمت‌گذاری دلخواه بنگاه‌ها در بستر اجرای سیاست‌های شوک درمانی،

(ه) افزایش نرخ ارز ناشی از اجرای هدفمندی.

با اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها به سبب افزایش قیمت حامل‌های انرژی، هزینه‌های تولید افزایش

یافته و منجر به افزایش تورم شده است. همچنین افزایش نرخ ارز ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها و

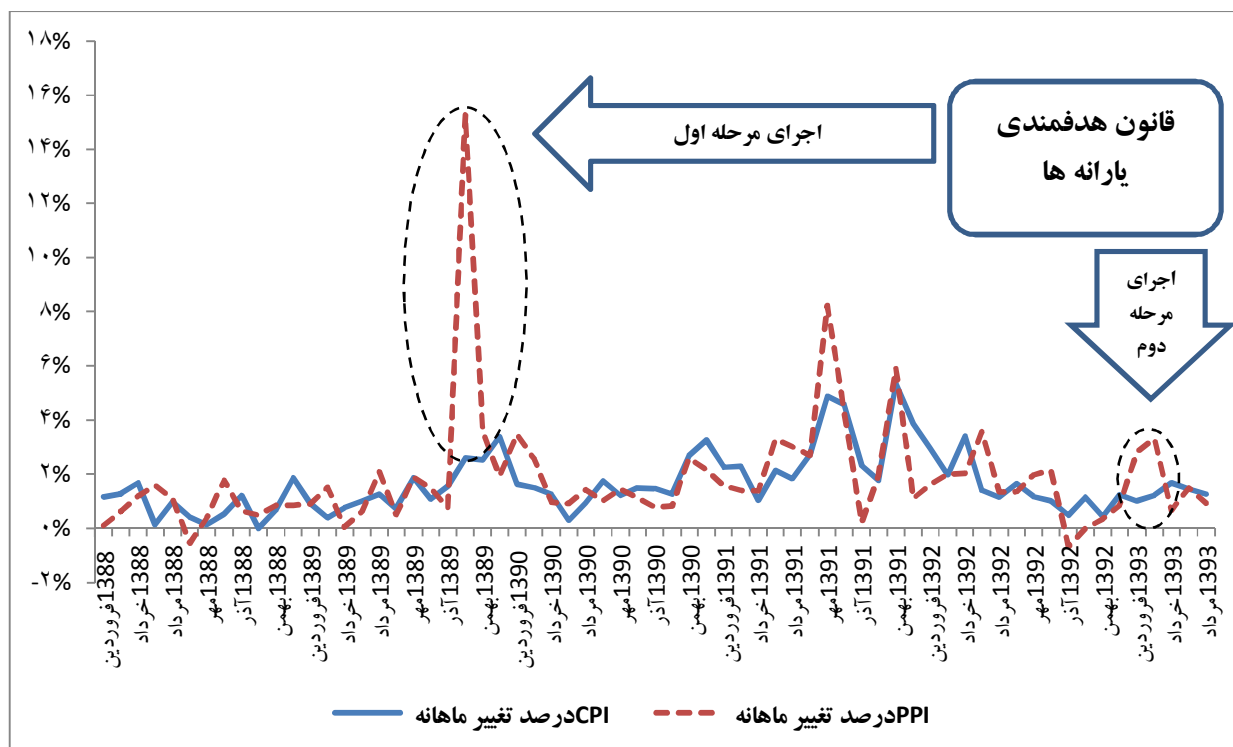
افزایش انتظارات تورمی عرضه‌کنندگان را می‌تواند از عوامل تشدیدکننده این تورم برشمرد.

از طرف دیگر پرداخت نقدی یارانه به خانوارها آن هم به میزانی بیش از درآمدهای حاصل از افزایش

قیمت حامل‌ها و تأمین آن از بانک مرکزی می‌تواند بروز تورم شود.

نمودار ۱۴ به خوبی نشان می‌دهد که اجرای فاز اول قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بر افزایش هزینه‌های تولید مؤثر بوده است به نحوی که با اجرای این سیاست شاخص قیمت تولیدکننده رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. با این حال شاخص قیمت مصرف‌کننده به سرعت نسبت به این افزایش در هزینه‌ها واکنش نشان نداده است که به دلیل سرکوب‌های قیمتی اعمال شده توسط دولت و تعزیرات در آن دوره بوده است. در دوره‌های بعدی با کاهش کنترل‌ها و سرکوب‌های قیمتی رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم) افزایش یافته و از شاخص قیمت تولیدکننده بیشتر شده است.

نمودار ۱۴. مقایسه درصد تغییر ماهیانه شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده



مأخذ: بانک مرکزی.

همچنین مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز پس از کش و قوس‌های فراوان بالاخره در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ اجرا شد. همان‌طور که در نمودار ۱۲ مشاهده می‌کنید با توجه به اینکه در مرحله دوم افزایش قیمت‌ها دارای شیب بسیار ملایم‌تری نسبت به مرحله اول بوده است و همچنین عدم افزایش یارانه نقدی پرداختی در این مرحله، اثرگذاری اجرای گام دوم هدفمندی یارانه‌ها بر شاخص‌های قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده بسیار کمتر از اجرای مرحله اول بوده است.



## ۲-۳. شوک ناشی از تحریم‌ها

تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده از سوی شورای امنیت که البته با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، اتحادیه اروپا و متحدانشان تشدید شد، آثاری بر اقتصاد ایران به دنبال داشته است.

اعمال تحریم‌ها عمدتاً به سه شکل بر اقتصاد اثرگذار بوده است:

الف) کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه افزایش کسری بودجه،

ب) افزایش نرخ ارز،

ج) محدودیت تجارت خارجی (به دلیل محدودیت‌های بانکی یا تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی).

البته در این رابطه باید به این نکته توجه داشت که با توجه به اینکه از یک سو در اقتصاد ایران، دولت عرضه‌کننده عمده ارز در بازار است و از سوی دیگر به دلیل کاهش درآمدهای ارزی دولت، در پی تحریم‌ها، درآمدهای دولت تحت فشار قرار گرفته است، به نظر می‌رسد دولت برای تأمین ریالی بودجه خود، چندان بی‌میل نبوده است که نرخ ارز در بازار افزایش یابد، یا حداقل اینکه تلاش مؤثری در جلوگیری از افزایش نرخ ارز انجام نداده است.

یکی از متغیرهایی که به شدت تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته، تورم بوده است. تحریم‌ها

از کانال‌های مختلفی سبب افزایش تورم شده است که برخی به‌طور خلاصه در ادامه ذکر می‌شود:

### ۱-۲-۳. تورم ناشی از افزایش نرخ ارز

- افزایش قیمت کالاهای نهایی وارداتی،

- افزایش قیمت کالاهای واسطه و سرمایه‌ای و در نتیجه افزایش هزینه تولید،

- افزایش توان قیمت‌گذاری دلخواه بنگاه‌ها در بستر تلاطمات ارزی.

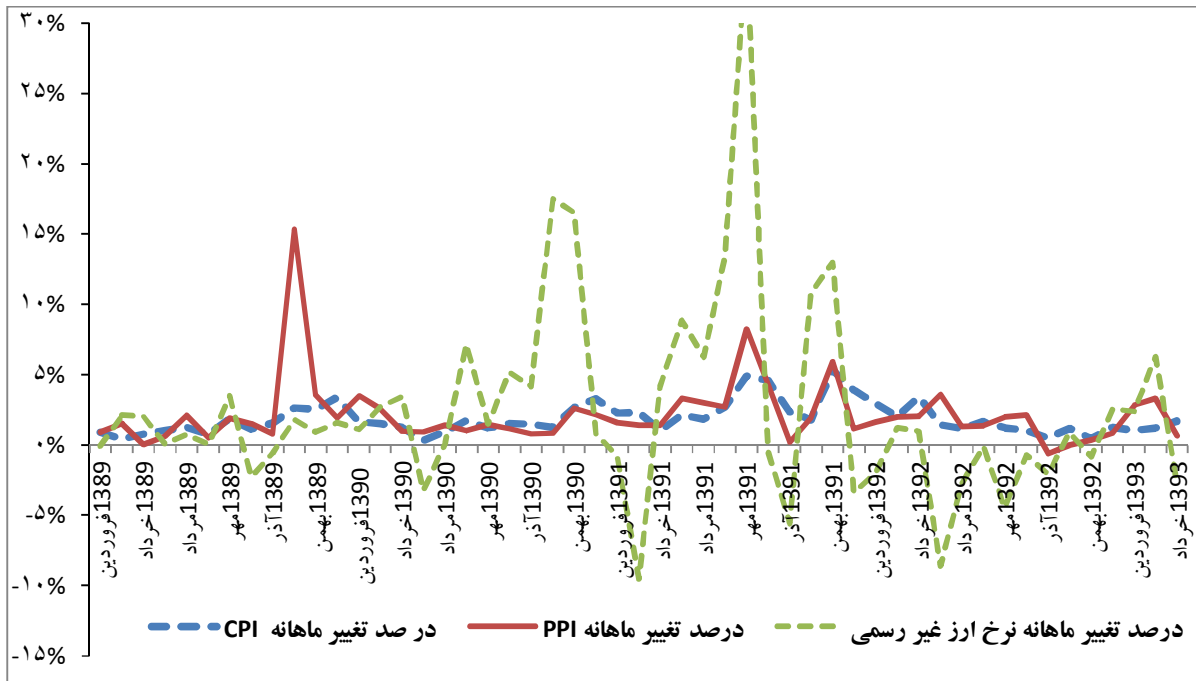
### ۲-۲-۳. تورم ناشی از محدودیت‌های تجاری

- تورم ناشی از افت توان تولیدی بخش‌های اقتصادی در پی محدودیت واردات،

- تورم ناشی از پولی کردن کسر بودجه ناشی از کاهش صادرات نفت،

- با اعمال تحریم‌ها نرخ ارز افزایشی بی‌سابقه را تجربه نمود و در شوک اول به ۲۰۰۰۰ ریال رسید و در شوک دوم در شهریور و مهرماه ۱۳۹۱ به حدود ۴۰۰۰۰ ریال نزدیک شد. افزایش نرخ ارز از طرق مختلف منجر به تورم می‌شود. یکی با افزایش قیمت کالاهای وارداتی نهایی مستقیماً باعث افزایش سطح قیمت کالاهای موجود در سبد مصرفی خانوار می‌شود و دیگر اینکه با افزایش قیمت تمام شده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای باعث افزایش هزینه تولید شده و با وقفه قیمت‌ها را افزایش می‌دهد.

نمودار ۱۵. مقایسه درصد تغییر ماهیانه شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده و نرخ ارز غیررسمی

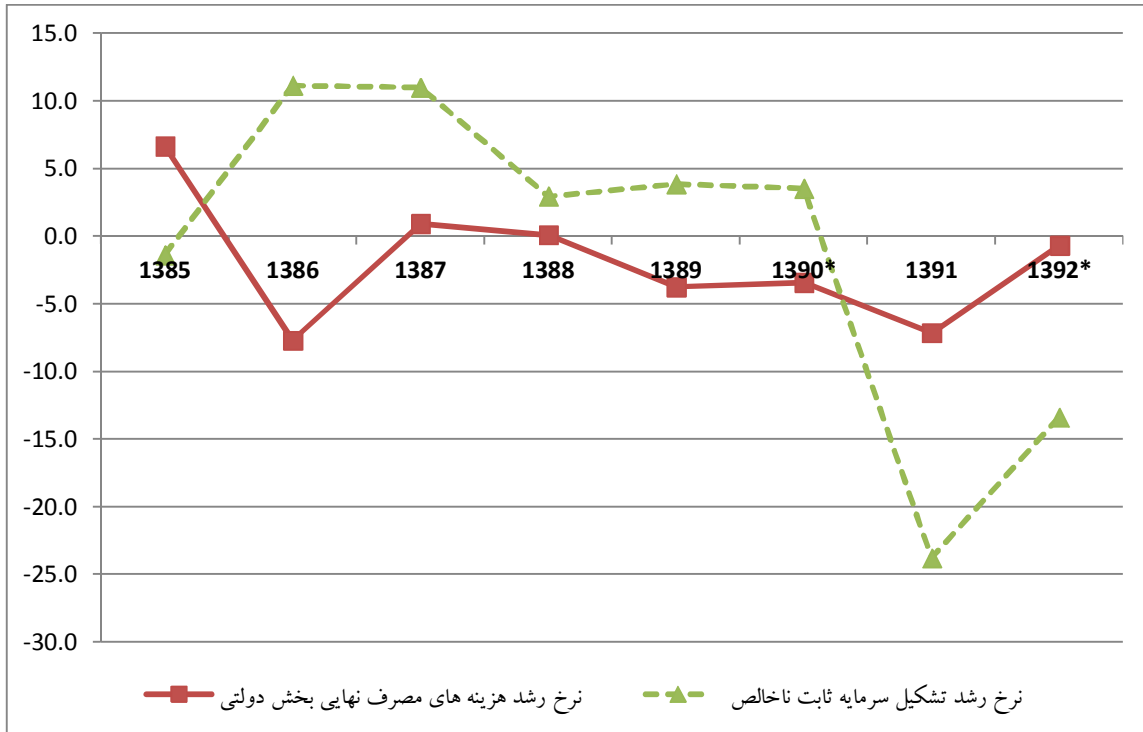


مأخذ: همان.

همچنین به سبب محدودیت واردات و تحریم بسیاری صنایع مثل خودروسازی افزایش هزینه‌های تولید تشدید شده است. به علاوه تحریم صادرات نفت باعث کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه کاهش مخارج آن و همچنین افزایش کسری بودجه شده است. به علاوه تشکیل سرمایه ثابت نیز به سبب اعمال تحریم‌ها و با توجه به افزایش نااطمینانی به شدت کاهش یافته است. موارد فوق سبب جابجایی منحنی تقاضای کل اقتصاد به سمت پایین و چپ شده است.



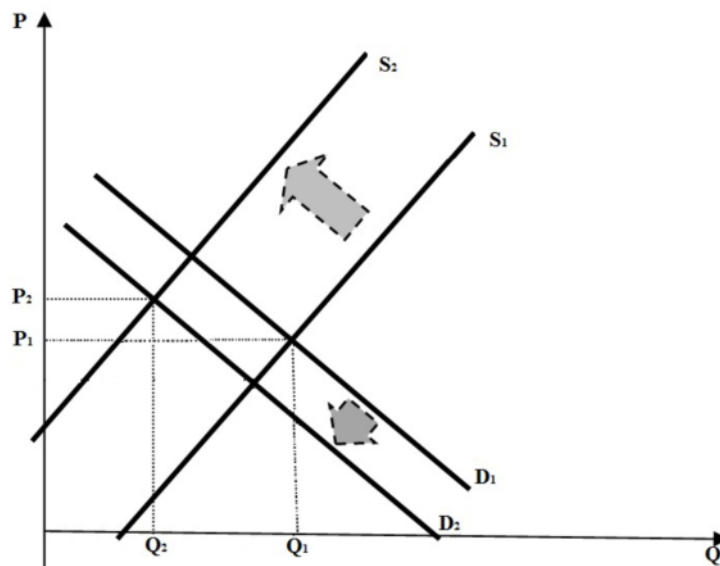
نمودار ۱۶. نرخ رشد مخارج نهایی دولت و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳



مأخذ: حساب‌های ملی بانک مرکزی.

توضیح: ارقام سال ۱۳۹۲ مربوط به نه ماهه اول سال ۱۳۹۲ است.

شکل ۱. اثر اعمال تحریم‌ها بر منحنی‌های عرضه و تقاضای اقتصاد



در نتیجه می‌توان بیان کرد کاهش تقاضای دولت و کاهش تشکیل سرمایه ثابت تا حدودی منجر به خنثی شدن اثر افزایش قیمت های ناشی از تحریم شده است. البته ذکر این نکته ضروری است از آنجا که جنس تقاضا برای کالاها و خدمات مصرف کننده عموماً متفاوت از تقاضای دولت و همچنین تشکیل سرمایه می‌باشد اثر این کاهش تقاضا بر قیمت‌های سبد خانوار محدود بوده است.

### ۳-۳. سایر عوامل اثرگذار بر تورم در دوره مورد بررسی

فارغ از عوامل فوق برخی عوامل دیگر وجود دارند که به تشدید تورم ناشی از شوک‌های بیان شده کمک کرده‌اند. در ادامه به بررسی برخی از این عوامل می‌پردازیم.

#### ۳-۳-۱. نقدینگی

تحریک تقاضای کل از طریق افزایش حجم نقدینگی که عمدتاً از ناحیه رشد پایه پولی بر کشور تحمیل می‌شود از جمله دلایل اصلی تورم در اقتصاد ایران است. براساس آمار موجود، رابطه بین تورم و نقدینگی در ایران در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. آمارهای توصیفی حاکی از تضعیف این رابطه یا تأخیر در اثرگذاری نقدینگی بر تورم است. احتمالاً رونق اقتصادی در طول برنامه سوم که در پرتو فزونی صادرات نفتی و متناسب با آن رشد اقتصادی، ثبات نرخ ارز در کنار سیاست های دولت در جهت تثبیت قیمت، عدم استقرار از بانک مرکزی و کاهش حجم بدهی دولت به بانک مرکزی و خصوصی‌سازی حاصل شده، از جمله عواملی است که رابطه تورم و نقدینگی را در سال‌های اخیر ضعیف‌تر کرده است. رشد واردات در شرایط اتخاذ سیاست‌های ضدتورمی دولت در جهت ثبات قیمت‌ها عمل کرده و ثبات نسبی نرخ ارز، در فضایی که درآمدهای ارزی کشور در وضع مطلوبی است نیز از جمله عوامل مهم برای تضعیف رابطه نقدینگی و تورم در سال‌های اخیر تلقی می‌شود. با این حال، اظهار نظر قطعی‌تر در این زمینه نیازمند بررسی بیشتر است.

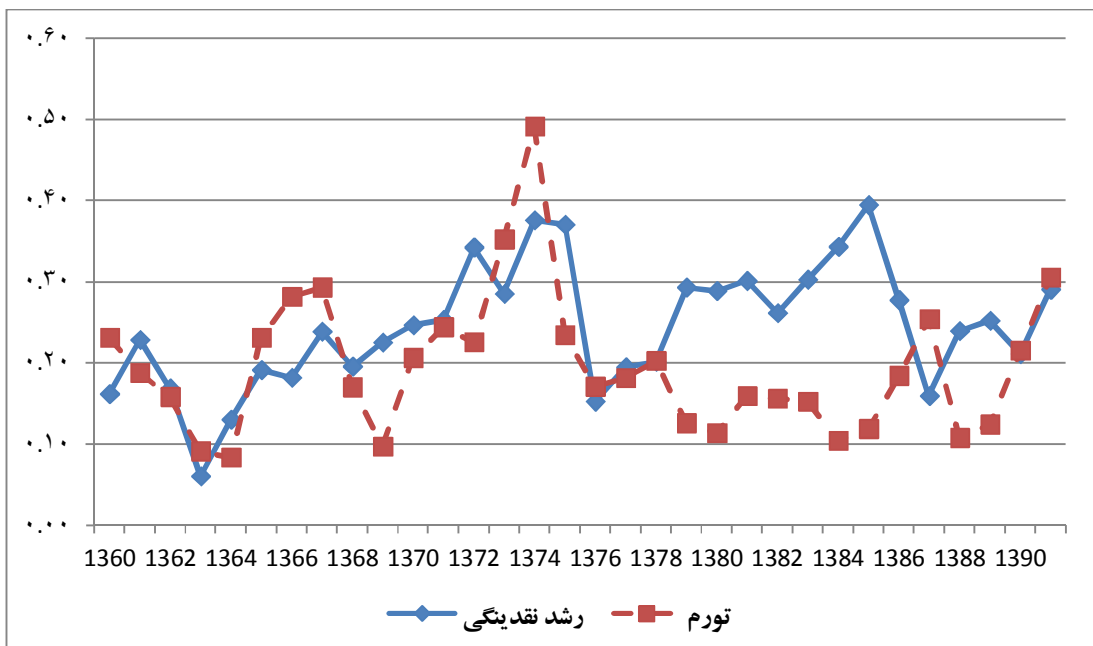
هر چند به نظر می‌رسد رابطه تاریخی تورم و نقدینگی که در گذشته حرکتی همسو و هم‌جهت را دنبال می‌کرده تضعیف شده است، باز هم نمی‌توان اثر مهم رشد نقدینگی را بر نرخ رشد سطح قیمت‌ها نادیده گرفت. با این حال همان‌طور که بیان شد به لحاظ نظری وقتی تورم انحصاراً در افزایش نقدینگی صرف، تحلیل و ریشه‌یابی می‌شود که اولاً پول در اقتصاد به طور کامل فعال باشد، سرعت گردش پول ثابت باشد و تابع تقاضای پول تابعی باثبات باشد. در اقتصاد ایران بخشی از پول منفعل است سرعت گردش پول بسیار سیال است و تابع تقاضای پول هم از ثبات لازم برخوردار نیست (شاگری، ۱۳۹۳).

نمودار ۱۷ روند نرخ رشد نقدینگی و تورم را از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد. همان‌طور که در



این نمودار مشاهده می‌کنید نرخ رشد نقدینگی و تورم طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ روندی تقریباً مشابهی داشته‌اند به طوری که ضریب همبستگی بین نرخ رشد نقدینگی و تورم در این دوره ۰/۶۷ بوده است. نمودار ۱۷ نشان می‌دهد برای سال‌های بعد از ۱۳۷۸ این رابط قوی مشاهده نمی‌شود.

نمودار ۱۷. روند نرخ رشد نقدینگی و تورم

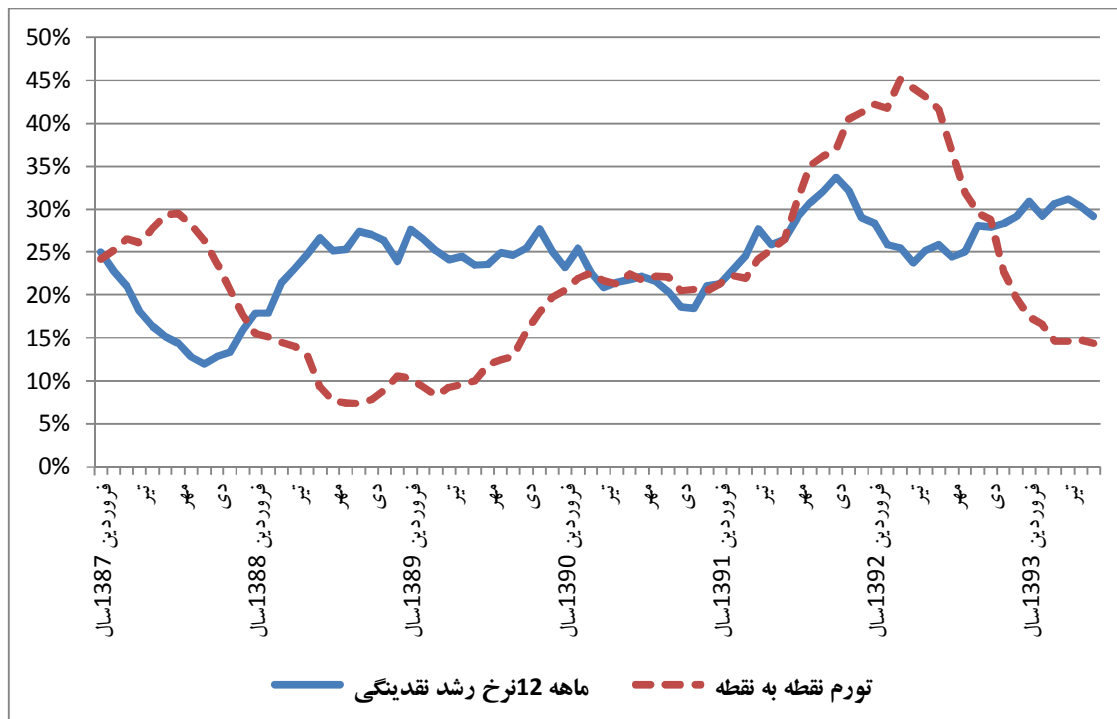


مأخذ: بانک مرکزی.

توضیح: بانک سری‌های زمانی بانک مرکزی.

نمودار ۱۸ روند نرخ رشد نقدینگی و تورم را از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا انتهای ۱۳۹۲ نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنید روند نرخ رشد نقدینگی در ماه‌های قبل از اجرای مرحله اول هدفمندی یارانه‌ها قابل توجه بوده است در نتیجه می‌توان بیان کرد در اجرای مرحله اول هدفمندی یارانه‌ها این رشد نقدینگی موجب تشدید تورم شده است. همچنین همزمان با شوک ارزی اول نرخ رشد نقدینگی رو به افزایش گذاشته است و در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۱ این نرخ روندی کاهشی به خود گرفته است. یکی از مهمترین علل رشد بالای نقدینگی در این دوره اجرای پروژه مسکن مهر بوده است. با این حال نقش مدیریت نقدینگی را شاید بتوان حداکثر در راستای ثبات اقتصاد کلان ارزیابی کرد و نمی‌توان آن را عامل اصلی کاهش نرخ تورم به حساب آورد، زیرا از یک طرف رشد نقدینگی در این دوره اختلاف معناداری نسبت به سال‌های قبل نداشته است و از طرف دیگر پس از اعمال شوک‌های موقتی انتظار تداوم نرخ بالای تورم غیرمنطقی و روند نزولی این نرخ مورد انتظار است.

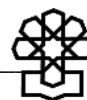
نمودار ۱۸. نرخ رشد نقدینگی و تورم نقطه به نقطه از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا کنون



مأخذ: همان.

### ۲-۳-۳. تورم جهانی مواد غذایی

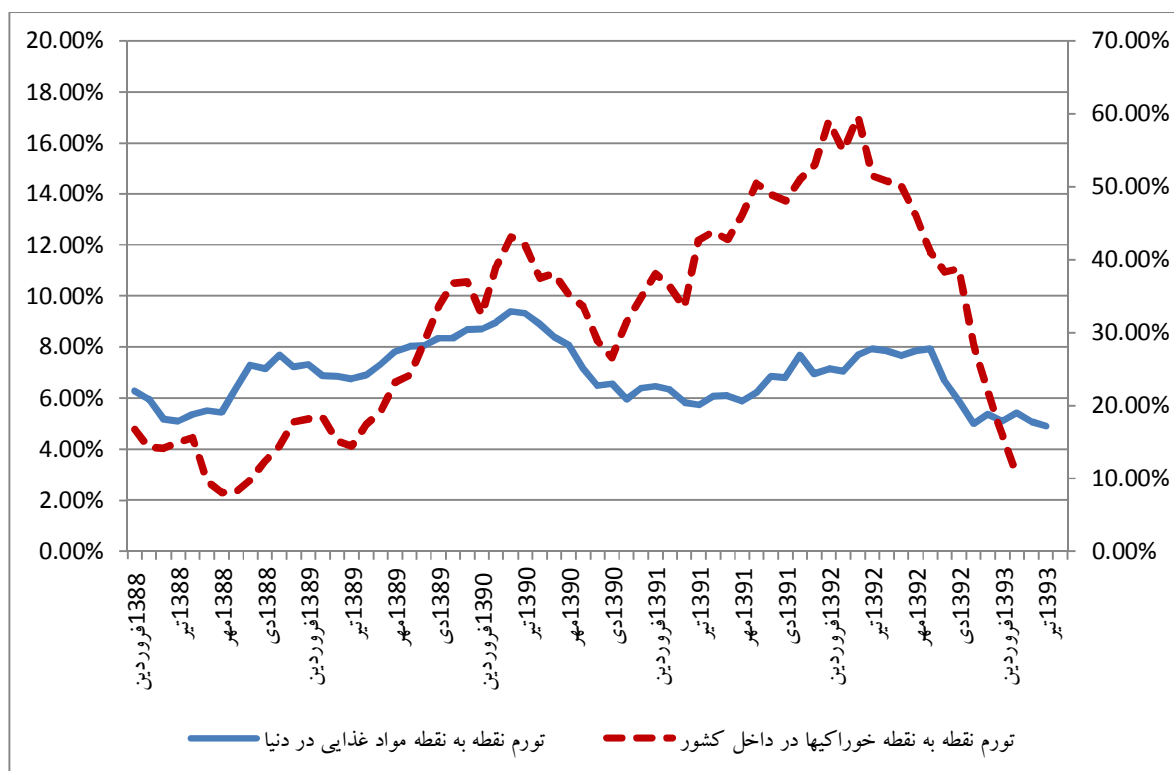
نمودار ۱۹ تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی در داخل کشور و مواد غذایی در دنیا را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید مقیاس دو نمودار با یکدیگر متفاوت است و تورم نقطه به نقطه مواد غذایی در دنیا در این بازه زمانی در بیشینه حالت خود به حدود ۱۰ درصد رسیده است در حالی که تورم مواد خوراکی در داخل کشور تا حدود ۶۰ درصد افزایش یافته است. با این حال روند دو منحنی در بسیاری از موارد یکسان است و فراز و فرود دو متغیر با یکدیگر رخ داده است. برای مثال به نظر می‌رسد علت اصلی افزایش تورم در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ افزایش قیمت مواد غذایی در دنیا بوده است. همچنین پس اجرای مرحله اول هدفمندی یارانه‌ها و افزایش تورم خوراکی‌ها در داخل کشور، نرخ تورم مواد غذایی نیز افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است و در خردادماه ۱۳۹۰ به حدود ۱۰ درصد رسیده است و افزایش تورم داخلی را تشدید کرده و نرخ تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی‌ها در داخل کشور به حدود ۴۳ درصد رسیده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید این تأثیرپذیری از قیمت‌های جهانی برای خوراکی‌ها در سال‌های بعد نیز ادامه داشته است. همچنین از آبان‌ماه ۱۳۹۲ نرخ تورم مواد غذایی در دنیا رو به کاهش نهاده است و در



بهمن ماه به کمترین میزان خود در ۴ سال اخیر یعنی در حدود ۵ درصد رسیده و در کاهش تورم خوراکی‌ها در داخل کشور تأثیرگذار بوده است.

بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان بیان کرد یکی از علل تورم سال‌های اخیر افزایش قیمت مواد غذایی در دنیا است. هرچند میزان اهمیت این متغیر در توضیح تورم سال‌های اخیر اقتصاد ایران جای بحث دارد، می‌توان این نکته را پذیرفت که لاقلاً بخشی از آن معلول افزایش حدود ۵ درصدی تورم مواد غذایی در دنیا بوده باشد که با کاهش آن، تورم داخل نیز در ماه‌های اخیر تأثیر پذیرفته است.

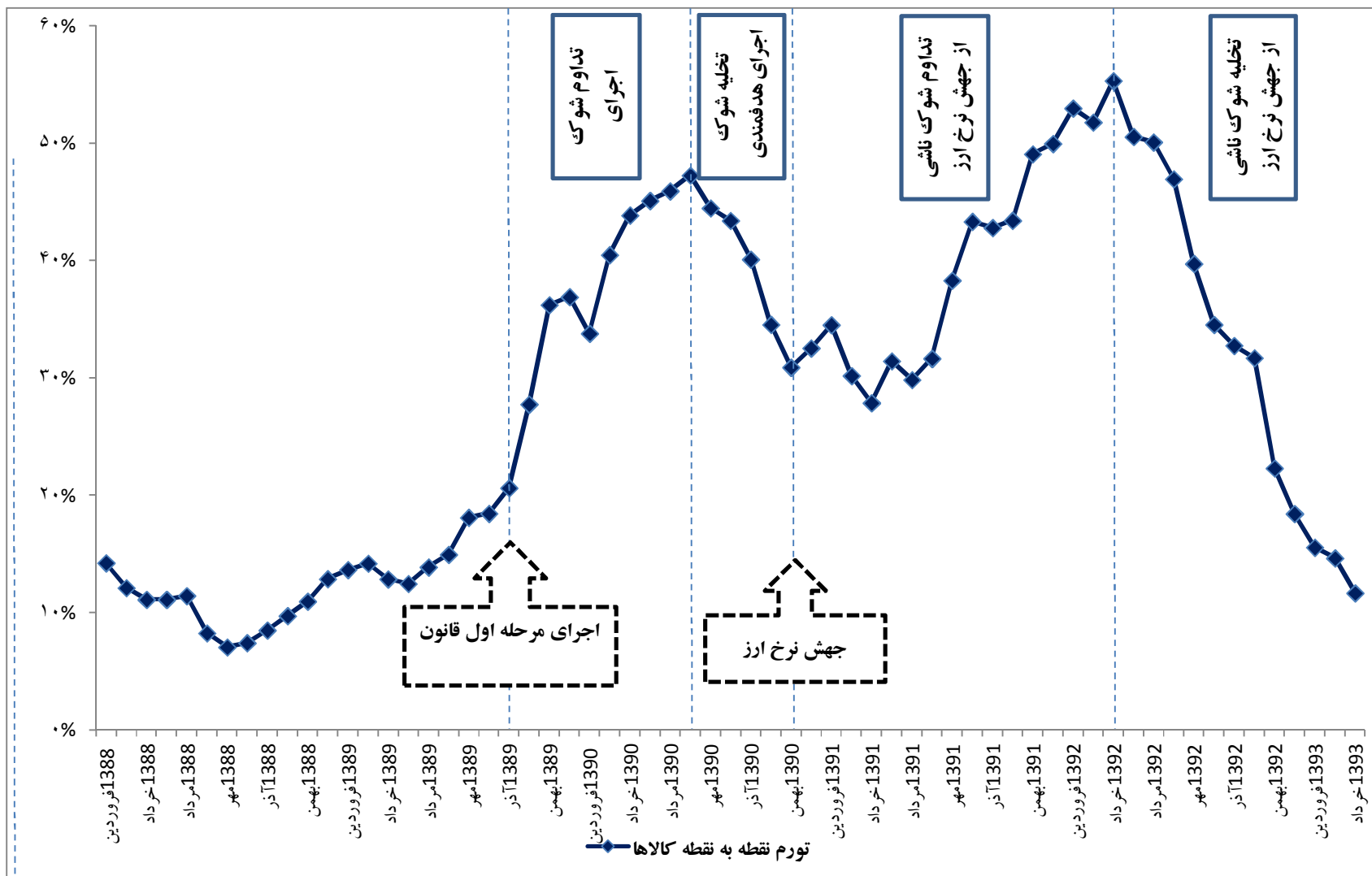
نمودار ۱۹. مقایسه تورم نقطه به نقطه مواد غذایی در دنیا و ایران



مآخذ: همان و FAO.

نمودار ۲۰ اثرپذیری تورم کالاها از شوک‌های وارد شده به اقتصاد و همچنین نشانه‌های تخلیه این آثار را به خوبی نشان می‌دهد.

نمودار ۲۰. روند اثر شوک‌ها بر تورم کالاها و تخلیه اثر آنها





در این گزارش به بررسی تورم در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ پرداخته شده است. بررسی کمی تورم در سال‌های اخیر نشان داد که کشورمان در این سال‌ها همواره جزء کشورهای دارای بالاترین نرخ تورم در جهان بوده است. با وجود این بررسی کیفیت تورم در این دوره نشان داد که نرخ تورم علیرغم نرخ بالا دارای ویژگی‌های خاصی نیز بوده است. برای مثال تأثیرپذیری نرخ تورم کالاها و خدمات از شوک‌های تورمی وارد شده به اقتصاد یکسان نبوده است و نرخ تورم کالاها به نسبت بسیار بیشتری از نرخ تورم خدمات تحت تأثیر شوک‌های تورمی قرار گرفته است که می‌توان آن را به کارایی کمتر بازار کالاها در کشور و ارائه برخی خدمات توسط دولت نسبت داد. همچنین در این دوره نرخ تورم اقلام خوراکی از اقلام غیرخوراکی بسیار بیشتر بوده است که با در نظر گرفتن این واقعیت که سهم کالاهای خوراکی در سبد مصرفی دهک‌های پایین‌تر بیشتر است می‌توان چنین تحلیل کرد که زیان رفاهی این تورم برای دهک‌های پایین‌تر درآمدی بیشتر بوده است.

مقایسه نرخ تورم روستایی و شهری در این دوره نیز بیانگر بالاتر بودن نرخ تورم روستایی از شهری در اکثر این دوره است ضمن اینکه تأثیرپذیری نرخ تورم روستایی از اجرای فاز اول هدفمندکردن یارانه‌ها بسیار بیشتر از خانوارهای شهری بوده است. بررسی نرخ تورم استان‌های کشور نیز در این دوره نشان می‌دهد تورم دارای توزیع یکسانی نبوده است و به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی استان‌ها در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. در این دوره تهران و استان‌های ساحلی دارای پایین‌ترین نرخ تورم و استان‌های مرزی دارای بالاترین نرخ تورم بوده‌اند. این موضوع را می‌توان به ضعف نظام توزیع کشور و همچنین سهم بالاتر خدمات در سبد مصرفی استان تهران و استان‌های ساحلی نسبت داد.

در رابطه با علل تورم به طور کلی می‌توان بیان کرد تأثیر شوک‌های قیمتی اجرای مرحله اول هدفمندکردن یارانه‌ها و افزایش نرخ ارز ناشی از تحریم بر افزایش نرخ تورم کاملاً ملموس است. در این میان نباید تأثیرات سایر عوامل نظیر بی‌انضباطی پولی، رشد نقدینگی ناشی از اجرای مسکن مهر و تورم مواد خوراکی جهانی را در تشدید اثر شوک‌ها نادیده گرفت. با ایجاد ثبات نسبی در فضای اقتصاد کلان و تخلیه تدریجی آثار شوک‌های قبلی پس از روی کار آمدن دولت جدید، نرخ تورم با کاهش تدریجی مواجه شد.

در این میان نقش مدیریت نقدینگی را شاید بتوان حداکثر در راستای ثبات اقتصاد کلان ارزیابی کرد و نمی‌توان آن را عامل اصلی کاهش نرخ تورم به حساب آورد، زیرا از یک طرف رشد نقدینگی در این دوره اختلاف معناداری نسبت به سال‌های قبل نداشته است و از طرف دیگر پس از اعمال شوک‌های موقتی انتظار تداوم نرخ بالای تورم غیرمنطقی و روند نزولی این نرخ مورد انتظار است.

در حقیقت تورم در این سال‌ها بیشتر تحت تأثیر عوامل موقتی و زودگذر قرار گرفته و به بیان اقتصادی جزء موقتی (پوسته) تورم تحت تأثیر قرار گرفته است و در نتیجه با تخلیه شدن آثار این شوک‌ها در تورم به طور طبیعی روند تورم رو به کاهش نهاده است. این در حالی است که عوامل اصلی و بنیادی ایجادکننده تورم بلندمدت در کشور مثل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران از جمله رشد شدید نقدینگی و عدم انضباط پولی دولت‌ها همچنان پابرجا بوده که در بیان اقتصادی این بخش از تورم را هسته تورم می‌نامند و به نظر می‌رسد با از بین رفتن اثر شوک‌ها نرخ تورم به هسته خود در حال نزدیک شدن است. این هسته اصولاً متأثر از ساختار نهادی حاکم بر اقتصاد است که حل آن به اصلاحات بنیادی و برنامه‌ریزی دقیق مستمر محتاج است.

### منابع و مأخذ

۱. باقری پرمهر، شعله و سیدهادی، موسوی‌نیک. بررسی عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی و ریشه‌یابی تحولات اخیر بازار ارز در اقتصاد ایران، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱.
۲. عباس، شاکری. تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ۸. ارکان سیاستگذاری برای برون‌رفت از شرایط رکود تورمی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳.
۳. محنت‌فر و دهقانی. بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران: یک مطالعه تجربی طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۵. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۴۹، ۱۳۸۸.
۴. بانک سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: TSD.CBI.IR
۵. حساب‌های ملی مرکز آمار ایران: <http://www.amar.org.ir>
۶. شاخص‌های قیمت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <http://www.cbi.ir/SimpleList/1591.aspx>
۷. شاخص‌های قیمت مرکز آمار ایران: <http://www.amar.org.ir>
8. Consumer prices, food indices, <http://faostat.fao.org>
9. Inflation, consumer prices, <http://data.worldbank.org/>



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۹۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل کمی و کیفی تورم در اقتصاد ایران (دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)

تهیه و تدوین: محمدرضا عبداللهی

اظهار نظر کنندگان: تیمور رحمانی، محمدحسین رحمتی

ناظر علمی: سیدهادی موسوی‌نیک

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. تورم
۲. تورم تولیدکننده
۳. هدفمندی یارانه‌ها
۴. تحریم
۵. نقدینگی
۶. نرخ ارز



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵